

مسئله



ایده انقلاب اسلامی
برای اقتصاد مردمی
چه بود؟

پیش‌گفتاری از
محسن قنبریان

چیستی، چرایی و چگونگی

اقتصاد مردمی

مروری بر مطالعات مردمی‌سازی اقتصاد در ایران
به همراه گزارشی از جمع‌بندی و نقد این آثار

نگاهی به آثار: داوود دانش‌جعفری، احمد میدری، سیدمهدی زریباف، عادل پیغامی، احسان خاندوزی، میرسامان پیشوایی، الیاس نادران
محمدتقی ضرغام، حجت‌الله عبدالملکی، محمد قائد امینی، سعید سیدحسین‌زاده، و ...

معلّم

منتظر شماره سوم مسئله باشید:

تسهیم ریسک!

به همت مرکز راهبری برهان



خانه اندیشه ورزان در خط انتشار مسئله
کلان موضوعات سیاستی کشور را مرور و بررسی می کند.



همکاری و حمایت از گروه نشریات جامعه اندیشکده ها:

lttnews2020@gmail.com

ماهنامه معلم

مسئله • سال اول • شماره دوم • مرداد ۱۴۰۴

اقتصاد مردمی

مروری بر مطالعات مردمی سازی اقتصاد در ایران
به همراه گزارشی از جمع بندی و نقد این آثار

صاحب امتیاز: خانه اندیشه ورزان
سرمدیر: فاطمه مرتضوی
دبیر تخصصی این شماره: سعید سیدحسین زاده

اتاق فکر مسئله:
یاسر جلالی منش، روح الله هنرور و نوید نظری

مدیر هنری: رضا دولت زاده
صفحه آرایی: امیرمحمد لاجورد

نگاهی به آثار:

رضا تنهایی مقدم، عادل پیغامی، حجت الله عبدالملکی، محمدجواد شریف زاده، سیدمحمد حسین فرد، ابوالقاسم توحیدی نیا، الیاس ناداران، میرسامان پیشوایی، اشرف السادات موسوی، مهسا سلسبیل، عاطفه نوروزی، علی قاسمی، محمدکاظم رجایی، محمدرضا حیدری، مرتضی درخشان، علی سعیدی، سیدمحمدقائم ذبیحی، سیدحسن قریشی، مسعود رضوانیان، الهه سعیدی، احمدعلی یوسفی، معصومه ندیری، محمدتقی ضرغام، علی مصطفوی، احمد میدری، احسان خاندوزی، حمیدرضا مقصودی، مجتبی حسینی، جواد کجوری، حمیدرضا بهره من، محمد قائد امینی، سیدحسین حسینی، علی اکبر کریمی، علی رشیدی، حیدر نجفی، حسین رجب پور، سعید شجاعی، محمدحسین کریم، مجتبی حسینی، محمدرضا رضائی نژاد، سعید سیدحسین زاده، سیدعقیل حسینی، حسین امیری، سیدمهدی زریباف، داوود دانش جعفری، غلامرضا حیدری کردزنگنه، سیداحمد فیروزآبادی، حسن جعفری، اکبر بدالی محمدی و مهدی قنبریان.



اصلا

خانه اندیشه ورزان

آدرس: خیابان انقلاب، بین خیابان ولی عصر عج و برادران مظفر شمالی، پلاک ۹۰۷

راه ارتباطی: itnews2020@gmail.com

مسئله، بستر تبیین و ترویج موضوعاتی است که در بطن سیاست‌گذاری عمومی و عرصه‌های تخصصی حکمرانی جای دارند. با رویکردی موضوع‌محور، هر شماره به واکاوی یکی از مسائل سیاستی می‌پردازد و آن را از زوایای چندگانه، در پرتوی تحلیل‌های تخصصی و خوانش‌های متکثر به نظاره می‌گذارد. تحقق این مهم، با مشارکت حداکثری اندیشکده‌های تخصصی ممکن شده است که مسئله را نه یک پروژه بلکه فرصتی برای حضور در عرصه عمومی می‌بینند.

خانه اندیشه‌ورزان در مسئله، نه سفارش‌دهنده است و نه بازنشرکننده، بلکه نقش خود را در مقام حامی تعریف کرده است:

پیش‌گفتار: ایده انقلاب برای اقتصاد مردمی چه بود؟

۴ محسن قنبریان

سرمقاله: سیاست‌گذاری و اقتصاد

۸ سعید سیدحسین‌زاده

بخش یکم:

مروری بر مطالعات اقتصاد مردمی در ایران

۱. بررسی سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از منظر اقتصاد مردمی

۱۲ رضا تنهایی‌مقدم، عادل پیغامی، حجت‌الله عبدالملکی و محمدجواد شریف‌زاده

۲. نهاد اجتماع به مثابه سازمان‌دهی اقتصادی ورای دوگانه بازار و دولت

۱۳ سیدمحمد حسینی‌فرد، ابوالقاسم توحیدی‌نیا و الیاس ناداران

۳. مدل‌های کسب‌وکار اقتصاد مردمی

۱۴ میرسامان پیشوایی، شرف‌السادات موسوی و مهسا سلسبیل

۴. نقش دولت در مردمی‌کردن اقتصاد؛ براساس نامه‌های حضرت امیر (علیه‌السلام) به فرمانداران بلاد

۱۵ ابوالقاسم توحیدی‌نیا و عاطفه نوروزی

۵. مولفه‌ها، معیارها و شاخص‌های مردم‌محوری در اقتصاد مقاومتی

۱۶ علی قاسمی و محمدکاظم رجایی

۶. بررسی مکانیسم‌های انگیزشی برای مردمی‌سازی اقتصاد

۱۷ محمدرضا حیدری و مرتضی درخشان

۷. امکان‌سنجی مردمی‌سازی صنعت نفت در ایران

۱۸ علی سعیدی

۸. کاربست مردمی‌سازی انرژی‌های تجدیدپذیر با نقش میانجی‌گری توسعه نیروگاه‌های مجازی

۱۹ سیدمحمدقائم ذبیحی، سیدحسن قریشی، مسعود رضوانیان و الهه سعیدی

۹. مبانی و مدل‌های مشارکت مردمی در اقتصاد مقاومتی

۲۰ احمدعلی یوسفی

۱۰. نقش تعاونی‌ها در اقتصاد مقاومتی (۱): راهکارهای ارتقای بهره‌وری تعاونی‌های دانش‌بنیان در مسیر اقتصاد ملی

۲۱ معصومه ندیری و محمدتقی ضرغام

۱۱. چارچوب مفهومی نقش مردم در توزیع عادلانه یارانه

۲۲ علی مصطفوی

۱۲. خصوصی‌سازی مردمی از منظر مکتب نهادگرایی

۲۳ احمد میدری

۱۳. ارزیابی عملکرد دولت‌های پس از انقلاب در مردمی‌کردن اقتصاد

۲۴ احسان خاندوزی

۱۴. تاملاتی در ابعاد نظری و واقعی اقتصاد مردم‌محور

۲۵ حمیدرضا مقصودی

۱۵. کیفیت نقش‌آفرینی مردم در تامین اجتماعی: بررسی تطبیقی دو مکتب اقتصاد اسلامی و سرمایه‌داری

۲۶ مجتبی حسینی، جواد کجوری و حمیدرضا بهره‌من

حامی اندیشکده‌ها و اندیشه‌ورزانی که دغدغه ارتقای گفت‌وگوهای راهبردی در حوزه‌های تخصصی خود را دارند و در پی آن‌اند که ادبیات نظری و کاربردی آن حوزه را غنا بخشند. اندیشه‌ورزان و اندیشه‌وران، با ارائه پیشنهادها و محتوایی و اتکا بر ظرفیت‌های درونی اندیشکده‌های خود، همکاران اصلی این مجله‌اند؛ و خانه با افتخار و اعتماد به قابلیت‌های ایشان، هر شماره از مسئله را به دغدغه یک اندیشکده می‌سپارد.

غایت مسئله، یکم چرخش آرا و نظرات در زیست‌بوم اندیشه‌ورزی و سیاست‌پژوهی و دوم توانمندسازی کنش‌گران اندیشه و فراهم‌آوری فرصتی برای مشق ترویج و تقویت زبان سیاست‌گذاری است؛ تلاشی برای آن‌که افکار سیاستی، پیکره و پویش یابند و تحلیل‌های تصمیم‌ساز، پژواک و پرتو.

۱۶. نسبت‌سنجی مردمی‌سازی اقتصاد با خصوصی‌سازی در راستای تبیین بند یک سیاست‌های اقتصاد مقاومتی
محمد قائد امینی و سیدحسین حسینی ۲۷
۱۷. نقش و جایگاه الگوی مصرف در مردمی‌سازی اقتصاد
علی‌اکبر کریمی ۲۸
۱۸. تأمین اجتماعی در اقتصاد مردم‌سالار
علی رشیدی ۲۹
۱۹. درآمدی بر منشور حکمرانی مردمی در جهش تولید
حیدر نجفی، حسین رجب‌پور و سعید شجاعی ۳۰
۲۰. ارزیابی تأثیر مردمی‌سازی و فساد بر تاب‌آوری اقتصادی
محمدحسین کریم ۳۱
۲۱. امام، مردم، اقتصاد
سیدحسین حسینی، مجتبی حسینی ۳۲
۲۲. با هم می‌شود، مشارکت مردم راهگشای توسعه پایدار
محمد رضا رضائی‌نژاد ۳۴
۲۳. دلالت‌های مکتب اردو لیبرالیسم آلمانی برای مردمی‌سازی اقتصاد
سعید سیدحسین‌زاده و سیدعقیل حسینی ۳۵
۲۴. بررسی تأثیر مردمی‌سازی بر مقاومت‌سازی اقتصاد در چارچوب یک اقتصاد رانته
حسین امیری ۳۶
۲۵. تفاوت‌های مردمی‌سازی با خصوصی‌سازی
سیدمهدی زریباف ۳۷
۲۶. کانال‌های اثرگذاری مردم بر اقتصاد
داوود دانش‌جعفری ۳۸
۲۷. جایگاه مردم در خصوصی‌سازی در اقتصاد ایران
غلامرضا حیدری کرد زنگنه ۳۹
۲۸. مطالعه قابلیت سازمان‌های مردم‌نهاد بومی دین‌محور در حل چالش‌های پیش روی توسعه اجتماع‌محور روستایی
سیداحمد فیروزآبادی، حسن جعفری ۴۰
۲۹. نقش بازاریابی مردمی در تحقق اقتصاد مقاومتی با مطالعه موردی مشکلات واحدهای تولیدی استان قم
اکبر ابدالی محمدی ۴۱
۳۰. اقتصاد مردمی
مهدی قنبریان ۴۲
۳۱. نقش مردم در اقتصاد
محمد جواد شریف‌زاده ۴۳

بخش دوم:

جمع‌بندی، تحلیل و نقد مطالعات انجام‌شده درباره اقتصاد مردمی در ایران

- سیاست‌گذاری و اقتصاد مردمی ۴۶

ایده انقلاب برای اقتصاد مردمی چه بود؟

قرار نمی‌گیرد و بخش بسیاری از آن در بازارهای مالی و پولی در چرخش است. بورس‌بازی و سفته‌بازی بیشتر، قیمت مسکن و سهام و... را افزایش می‌دهد. بدهکاری بالای عمومی حاصل از خلق اعتبار هم در عمل اثرش را بر جیب دستمزدبگیران می‌نهد و پول آن‌ها را بی‌ارزش‌تر می‌کند؛ یعنی از دو جهت به طبقات فرودست اجحاف می‌شود.

از آن سو، دموکراسی‌ها را «جمهوری طبقات بهره‌مند» می‌کند که پیوند سرمایه و رسانه، «تله دموکراسی»‌هایی پدید می‌آورد که برآمده از طبقه متوسط به بالا نه عموم مردم است. این دموکراسی‌ها هم متقابلاً «منطقه عاری از دموکراسی» را برای سرمایه‌داران به رسمیت می‌شناسند! پس بدون «اقتصاد مردمی‌تر»، «دموکراسی و حکمرانی مردمی» محقق‌شدنی نیست. اقتصاد مردمی‌تر هم ورود و اثرگذاری عموم مردم در سیاست‌ورزی و حکمرانی را می‌خواهد.

۲ مردمی‌ترین انقلاب

انقلاب اسلامی «مردمی‌ترین» انقلاب جهان و شعار «مردم‌سالاری دینی» از اصلی‌ترین آرمان‌هایش بوده است. رابطه سیاست و اقتصاد می‌طلبد سهم مردم در «حکمرانی مردمی» بررسی شود و تنها به میزان مشارکت در راهپیمایی و انتخابات بسنده نشود. این سهم سیاسی برای عامه مردم باید در اقتصاد کشور نیز وزن داشته باشد و «اقتصاد مردمی» را موجب شود؛ وگرنه به مرور «کانون‌های ثروت»، حکمرانی را به نفع طبقات خاص منحرف خواهند کرد. از همین رو است که رهبر انقلاب در سال‌های



محسن قنبریان

● مقدمه

بدون اقتصاد مردمی و همگانی، مردم‌سالاری به هر نامی عملاً «جمهوری طبقات بهره‌مند» خواهد شد، از این رو، هم بدین خاطر و هم به خاطر تأمین عدالت اجتماعی، اقتصاد مردمی (مقابل اقتصاد دولتی و اقتصاد خصوصی) از اول بر زبان امام عزیز و شاگردان راستینش جاری شد. در ادامه درباره اینکه ایده انقلاب برای اقتصاد مردمی چه بود و این ایده کجا متوقف شد سخن خواهیم گفت و به تناظر حکمرانی مردمی با اقتصاد مردمی در اندیشه انقلاب اسلامی اشاره‌هایی خواهیم داشت.

۱ رابطه اقتصاد و سیاست

جداشدن اقتصاد از سیاست (می‌گوییم سیاست نه فقط دولت) که از شعارهای سرمایه‌داری است اتفاق مبارکی نبوده است. ملموس‌ترین اثر آن این است که سرمایه‌دارترین کشورهای جهان دارای بدهکاری عمومی بالاتری هم هستند. سرمایه‌های بسیاری که الزاماً تمامش در تولید کالا و خدمات



اخیر در چند نوبت در زمینه کانون‌های ثروت در انتخابات‌ها هشدار داده‌اند: «این خیلی خطر بزرگی است که کسی به خاطر تامین نمایندگی در یک دوره نزدیک بشود به صاحبان ثروت»؛
 «مردم باید کسانی را انتخاب کنند که به کانون‌های ثروت و قدرت متصل نباشند»؛
 «اگر چنانچه نامزدها به مراکز ثروت و قدرت متصل شوند کار خراب می‌شود».

۳ اندیشه اقتصاد مردمی

امام خمینی به صراحت «عدالت اجتماعی اسلام» را مشروط به چند مسئله کرد؛ از جمله: «دخیل کردن توده‌های میلیونی مردم محروم در تولید و تلاش و خلاقیت و ابتکار».
 و بعد «ارائه طرح‌ها و اصول تبیین جهت‌گیری اقتصاد اسلام در راستای حفظ منافع محرومان و گسترش مشارکت عمومی آنان و مبارزه اسلام با زراندوزان» را ارمغان انقلاب دانست؛ طرح‌هایی که سپس توسط شاگردان شهیدش تعقیب و تدوین شد!
 رهبر معظم انقلاب نیز از این ایده در «نظریه» سخن گفتند و در مواجهه با دوگانه پیشرفت-عدالت از سوی دولت‌های سازندگی و توسعه اقتصادی، «پیشرفت مردم‌پایه» را طرح کردند تا عدالت، عارضی نباشد و در متن پیشرفت اشراق شود: «پیشرفت، مردم‌پایه است. در دوران طاغوت، چون مردم نقش‌آفرین نیستند پس پیشرفتی نیست. این حرف تابع یک

نظریه در باب پیشرفت است: وقتی مردم، اصل شدند و در همه زمینه‌ها، مردم‌سالاری حاکم شد، نه فقط نظام سیاسی؛ آنگاه ظرفیت‌ها و استعداد‌های عظیم مردمی، پرورش و بروز می‌یابند. پیشرفت واقعی باید برخاسته از اراده مردم باشد و اراده مردم باید منطبق بر مسیر حق. نتیجه این بروز استعدادها، پیشرفت است. پس به میزان مردم‌سالاری و مردمی‌شدن امور جامعه، امکان پیشرفت نیز فراهم شده است. در این نگاه، انسان‌ها اصل هستند اما طاغوت چون کرامت انسانی را نابود می‌کند، اعتماد به نفس و به تبع آن، امکان پیشرفت را از ملت‌ها می‌گیرد. مهم‌ترین کاری که انقلاب کرده است، تبدیل نظام طاغوت‌سالار به نظام مردم‌سالار است؛ این مهم‌ترین کاری است که انقلاب کرده است؛ آن هم با الهام از تعالیم اسلامی... مردم‌سالاری یعنی مردم را در همه امور زندگی، صاحب رای و صاحب تدبیر و صاحب تصمیم قرار دادن. مردم‌سالاری فقط در اداره سیاسی کشور نیست، در خدمات شهر و روستا است؛ در زنده‌کردن روحیه کارهای بزرگ در کشور است. در پرورش و بروز استعداد‌های مردمی، ظرفیت‌های انسانی کشور است.»

۴ طرح برای اقتصاد مردمی

شهید بهشتی - متفکر کم‌نظیر انقلاب اسلامی - اقتصاد مردمی را در نهاد تعاونی بازتعریف و تعاونی مطلوب را به چند شرط مشروط کرد:

۱. همکاری به جای رقابت سرمایه‌داری؛
۲. قدرتی کنار اقتصاد دولتی نه ذیل آن؛



۳. هر رای برای یک عضو نه به ازای میزان سهم؛

۴. شرط صاحب سهام شدن، شاغل بودن در آن تعاونی تولید نه فقط صاحب سرمایه بودن (تا تعاونی‌های تولید برای کارگران و کارمندان مازاد بماند نه ثروتمندان).

این طرح به همت او و همیارانش در قانون اساسی نهادینه شد. در بند ۲ اصل ۴۳ از جمله ضوابط اقتصاد ج.ا. آمد: «تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قراردادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق در آورد...»

برخی خبرگان قانون اساسی این اصل را مترقی‌ترین خواندند که از فقر و بیکاری جلوگیری می‌کند. در اصل ۴۴ هم نظام اقتصادی ج.ا. برپایه بخش دولتی و همین بخش تعاونی و بخش خصوصی هم به عنوان «مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی» معرفی شد.

۵ متناظر تعاونی در اقتصاد؛ شورا در حکمرانی

چنان که گذشت سهم مردم در اقتصاد و حکمرانی باید متناظر هم باشد. اگر سهمی از اقتصاد کشور باید از طریق «تعاونی‌های فراگیر» برای عموم مردم به خصوص فرودستان باشد؛ باید نقش آن‌ها در حکمرانی هم به همین نسبت نهادینه شود. در غیر این صورت آن سهم اقتصادی هم به نفع بهره‌مندان مصادره می‌شود! متناظر بخش تعاونی اقتصاد، «شوراها»

در حکمرانی و سیاست است.

امیرالمومنین (ع) فرمود: «پس با من از گفتن حق و مشورت عدل (رایزنی در عدالت) بازنايستيد».

محقق نائینی در ذیل این روایت، «شورای عمومی ملی» برای نظارت بر سلاطین را جایگزین قوه عاصمه الهی [عصمت] و لااقل جانشین قوه علمیه و ملکه عدالت و تقوا قرار می‌دهد.

امام رضا (ع) از پیامبر (ص) روایت کردند: «هر که سراغ شما آمد و خواست جماعت شما را پراکنده سازد و امارت را غصب و بدون مشورت تولى امور کند (یتولى من غیر مشوره) او را بکشید که خداوند اجازه داده است!» برخی مراجع معاصر ذیل این روایت، مشورت برای ولی فقیه را نه از قبیل مستحبات بلکه از اوجب واجبات شمرده و حکمت «مجلس نمایندگان» در حکومت اسلامی را همین شمرده‌اند.

خبرگان قانون اساسی این مهم - به خصوص شوراهای قسط - را از اندیشه ناب اسلامی در قانون نهادینه کردند.

غیر از «قوه مقننه»، فصل هفتم (اصل ۱۰۶ تا ۱۰۰) به شوراها اختصاص یافت. خبرگان، «به خاطر واگذاری کار مردم هر منطقه به خودشان» شورای روستا و شهر و استان را تصویب کردند.

غیر از آن شوراها، شورایی برای اصناف، به خصوص کارگران و دهقانان تعریف کردند: «به منظور تأمین قسط اسلامی و همکاری در تهیه برنامه‌ها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور در واحدهای تولیدی، صنعتی و کشاورزی، شورایی مرکب از نمایندگان کارگران و دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران و واحدهای آموزشی، اداری، خدماتی و مانند این‌ها تشکیل می‌شود...»



در فراز ۳۵ آن سیاست‌ها این جمله است: «اقدامات لازم برای جبران عقب‌ماندگی‌های حاصل از دوران‌های گذشته با تاکید بر:

- ♦ کاهش فاصله دو دهک بالا و پایین درآمدی جامعه به‌طوری‌که ضریب جینی به حداکثر ۳۵ درصد در پایان برنامه برسد؛
- ♦ توسعه بخش تعاون با هدف توانمندسازی اقشار متوسط و کم‌درآمد جامعه به‌نحوی‌که تا پایان برنامه پنجم سهم تعاون به ۲۵ درصد برسد».

واقعا هم بدون واگذاری این بخش از اقتصاد کشور به دهک‌های کم‌درآمد، امکان کاهش فاصله طبقاتی وجود ندارد.

تحقق نیافتن اقتصاد مردمی

با وجود اینکه اقتصاد مردمی از اندیشه تا طرح و تا سیاست و ابلاغ دنبال شده است؛ اما با گذشت سال‌ها از ابلاغ آن، هنوز محقق نشده است! تعاونی فراگیر برای ۲۵ درصد کل اقتصاد کشور به سه دهک پایین درآمدی و بیکاران محقق نشد! اصلا سهم بخش تعاونی از اقتصاد کشور حدود ۵ درصد است که آن هم برای طبقات محروم نیست. این درحالی است که واگذاری‌های اصل ۴۴ برای دو بخش دیگر (حاکمیتی غیردولتی و بخش خصوصی) با شتاب در حال انجام بوده و تخلفاتی مثل دشت مغان و هفت تپه و... را در پرونده خود دارد. طبیعی است عقب‌ماندن بخش تعاونی (عموم مردم) در این واگذاری‌ها آن را کاریکاتوری کرده و موجب افزایش فاصله فقر و غنا شده است. آن ضریب جینی ۳۵ درصد محقق نشد و این سال‌ها رو به افزایش هم گذاشت.

جالب اینکه حتی در کارخانه‌ها و واحدهایی که «مالکیت خصوصی» دارند، طبق این اصل، «اقلا در برنامه‌ریزی برای پیشرفت» باید نظر شورای کارگری لحاظ شود. پس به طریق اولویت در بخش تعاونی که خود کارگران و کارمندان مالک مشاع آن هستند، این حق حتی در مدیریت آن لحاظ می‌شود.

سیاست و ابلاغ تعاونی‌های فراگیر مردمی

۶

از جمله عبارات رهبر انقلاب در ابلاغ سیاست‌های اصل ۴۴، «گسترش مالکیت عموم مردم» (اقتصاد مردمی) است. در نخستین مرحله ابلاغ (سال ۸۴) سهم تعاونی‌ها، گروه هدف آن و تامین منابعش معلوم شد:

۱. افزایش سهم بخش تعاونی در اقتصاد کشور به ۲۵ درصد تا آخر برنامه پنج‌ساله پنجم؛
۲. اقدام موثر دولت در ایجاد تعاونی‌ها برای بیکاران در جهت اشتغال مولد؛
۳. تاسیس تعاونی‌های فراگیر ملی برای زیر پوشش قرار دادن سه دهک اول جامعه به منظور فقرزدایی؛
۴. اختصاص ۳۰ درصد از درآمدهای حاصل از واگذاری (به بخش خصوصی و حاکمیتی غیردولتی) به تعاونی‌های فراگیر ملی به منظور فقرزدایی؛

این سهم ۲۵ درصدی از کل اقتصاد ایران برای بخش تعاونی دهک‌های محروم و بیکاران، یک بار دیگر در سیاست‌های برنامه پنجم هم از سوی رهبر ابلاغ شد.

سیاست‌گذاری در حوزه اقتصاد مردمی

کرد، کشور ثروتمند می‌شود، آحاد مردم ثروتمند می‌شوند، جیب کارگر پُر می‌شود، دست کارگر پُر می‌شود، اشتغال افزایش پیدا می‌کند، بیکاری کم می‌شود و مشکلات فراوان کارگری و اقتصادی در کشور از بین می‌رود. اقتصاد مردمی به عنوان یک مفهوم کلیدی در اقتصاد مقاومتی، به معنای «حضور و مشارکت فعال مردم در تمام عرصه‌های اقتصادی» است. پس از طرح مسئله اقتصاد مردمی در چارچوب اقتصاد مقاومتی، مطالعات علمی مختلف در این زمینه صورت گرفته است، اما بررسی و رصد مطالعات علمی انجام شده پیرامون این مفهوم نشان می‌دهد برداشت‌های متفاوتی از مردم‌بنیان شدن اقتصاد در مقالات، کتاب‌ها و مستندات علمی به زبان فارسی ظهور و بروز پیدا کرده است. وجه مشترک این مطالعات آن است که مردم در اقتصاد از جایگاه ممتازی برخوردارند و معمولاً کشورهای پیشرو، با تکیه بر ظرفیت‌ها و استعداد‌های مردمی، اهداف بلند اقتصادی خود را پی می‌گیرند، اما عده‌ای مردم را همان بخش خصوصی و حاکمیت بازار تلقی کرده‌اند. برخی نویسندگان مردم را در مقابل دولت قرار داده‌اند و کاهش حضور دولت در اقتصاد را مردمی‌سازی اقتصاد می‌دانند. تعدادی از پژوهش‌ها، حاکمیت تعاونی‌ها و ازبین‌رفتن نظام سرمایه‌داری را اقتصاد مردمی تلقی کرده‌اند. عده‌ای انحصارزدایی و غیرمتمرکز کردن اقتصاد را مردمی‌سازی اقتصاد دانسته‌اند. در برخی مقالات، مردمی‌سازی را سهام‌دارشدن مردم تلقی کرده‌اند. عده‌ای مردمی‌شدن اقتصاد را مشارکت در کلیه سطوح از جمله نظام تصمیم‌گیری دانسته‌اند. عده‌ای نیز غیربازاری کردن اقتصاد و حاکمیت بخش سوم اقتصاد را مردمی‌سازی

اقتصاد مردمی و مردمی‌سازی اقتصاد از جمله مفاهیم اساسی هستند که در بیانات مقام معظم رهبری به کرات مورد تأکید قرار گرفته‌اند. این مفاهیم در چارچوب سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، به عنوان راهبردی برای توسعه پایدار و مقاوم در برابر تهدیدات و فشارهای خارجی، مورد توجه قرار گرفته‌اند. این رویکرد به معنای مشارکت گسترده و فعال مردم در عرصه‌های مختلف اقتصادی است که می‌تواند به افزایش تاب‌آوری اقتصاد، کاهش وابستگی به منابع خارجی و توزیع عادلانه‌تر ثروت کمک کند. اقتصاد مقاومتی به عنوان یک راهبرد جامع برای رسیدن به توسعه پایدار و مقاوم در برابر تهدیدها و چالش‌های مختلف، مورد توجه مقام معظم رهبری و برنامه‌ریزان کشور قرار گرفته است. در این راستا، اقتصاد مردمی به عنوان یکی از ستون‌های اصلی این راهبرد، نقش بسزایی در تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی ایفا می‌کند. اقتصاد مردمی در چارچوب اقتصاد مقاومتی دارای اهمیت ویژه‌ای است، زیرا با مشارکت فعال مردم در اقتصاد، خصوصاً در زمینه تولید، بسیاری از مشکلات اقتصادی کشور از جمله بیکاری و وضعیت معیشتی کارگران حل می‌شود. رهبر معظم انقلاب بر این باورند که با ورود مردم به عرصه تولید و اقتصاد، تولید جهش پیدا می‌کند و این امر موجب ثروتمند شدن کشور و بهبود شرایط اقتصادی عموم جامعه می‌شود. در سخنرانی ایشان در دیدار با کارگران (۱۴۰۳/۰۲/۰۵) آمده است:

بنده عقیده راسخ دارم، نظر همه کارشناس‌های اقتصادی صاحب‌نظر ما هم همین است که اگر مردم وارد میدان اقتصاد بشوند، به خصوص اگر وارد میدان تولید بشوند، تولید جهش پیدا می‌کند؛ تولید که جهش پیدا

اقتصاد دانسته‌اند و شواهدی را برای آن ارائه می‌دهند. این اختلافات فرصت جدیدی را برای پژوهشگران ایجاد کرده است که به صورت روشمند، مسیر همگرایی برداشت‌ها را با تدقیق مفهوم اقتصاد مردمی فراهم کنند. اولین گام برای تدقیق مفهوم اقتصاد مردمی رصد و نقد دقیق مهمترین برداشت‌ها از مردمی‌سازی اقتصاد در فضای حکمرانی و سیاست‌گذاری است که کارویژه پرونده پیش رو است. با توجه به طبقه‌بندی ارشدی و نعمتی (۱۴۰۳) می‌توان مطالعات انجام‌شده درباره مردمی‌سازی اقتصاد را در چارچوب زیر دسته بندی کرد:

- ♦ مطالعات حکمرانی، سیاست‌گذاری و اجرا؛
- ♦ مطالعات نظری و بنیادین؛
- ♦ تجربه‌نگاری و الگوهای داخلی و خارجی؛
- ♦ مطالعات بین‌رشته‌ای.

بررسی‌ها نشان می‌دهد مطالعات نظری و بنیادین تلاش داشته‌اند بیانات رهبری را در این زمینه بازتعریف کنند و تقریباً نتوانستند ادبیات جدیدی را در این حوزه به کشور وارد کنند. در حوزه مطالعات بین‌رشته‌ای نیز تاکنون مطالعات خاصی در این حوزه در کشور انجام نشده است. درباره تجربه‌نگاری و الگوهای خارجی و داخلی نیز ضعف در نظرنگرفتن اقتضائات نهادی کشور برای پیاده‌سازی این الگوها و تجارب دیده می‌شود. لذا با توجه به نقش اندیشکده‌ها در حوزه اول یعنی مطالعات حکمرانی، سیاست‌گذاری و اجرا، کارویژه این پرونده نقد و نظر در حوزه مطالعات سطح اول در نظر گرفته شده است. در این پرونده ضمن معرفی خلاصه اثر علمی مورد نظر در

ابعاد مختلف چیستی، چرایی و چگونگی، مجموع این پژوهش‌ها در یک نگاه مجموعی مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. سه سوال ریشه‌ای اقتصاد مردمی عبارت است از: «چیستی»، «چرایی» و «چگونگی». سوال از چیستی اقتصاد مردمی در مقام توضیح مفهومی است و اقتصاد مردمی را در قالب اهداف، نتایج و اثرات، فرآیند، متضادها و شاخص‌ها و روابط تعریف می‌کند. سوال از چرایی اقتصاد مردم‌بنیان، سوال از این است که مبنای پذیرش اقتصاد مردمی چیست و چرا باید به آن ملتزم بود و چه مبانی اسلامی، علمی و تجربی در این زمینه وجود دارد. سوال از چگونگی اقتصاد مردمی نیز به این پرسش ناظر است که اقتصاد مردمی چگونه اقامه شده است و چگونه باید اقامه شود؟ و درواقع سوال از این است که لوازم زمینه‌ای و ساختاری و راهبردهای پیاده‌سازی اقتصاد مردمی چیست؟ بنابراین سه سوال اصلی مردمی‌سازی اقتصاد عبارت است از:

- ♦ تعریف اقتصاد مردمی چیست؟ (چیستی)
- ♦ مبنای اقتصاد مردمی چیست؟ (چرایی)
- ♦ لوازم تحقق اقتصاد مردمی چیست و چگونه محقق می‌شود؟ (چگونگی)

با توجه به چهارچوب فوق‌الذکر حدود ۳۰ اثر در این زمینه مورد بررسی قرار می‌گیرد و درنهایت مورد تحلیل و نقد قرار خواهد گرفت.

سعید سیدحسین‌زاده
تیر ۱۴۰۴



بازخوانی یک مفهوم: اقتصاد مردمی

مروری بر مطالعات مردمی‌سازی اقتصاد در ایران

اقتصاد مردمی، مفهومی است برآمده از دغدغه بازگرداندن مردم به جایگاه اصیل خود در مناسبات اقتصادی؛ مفهومی که در تقابل با تمرکزگرایی دولتی و انحصارگرایی سرمایه‌دارانه، بر عدالت توزیعی، مشارکت عمومی و مالکیت جمعی تأکید دارد. این مفهوم در دل خود ایده‌هایی همچون حاکمیت مردم بر منابع، دموکراسی اقتصادی، تولید اجتماعی، توزیع عادلانه و نهادهای مشارکت‌محور را حمل می‌کند؛ اما در عرصه نظر و تجربه، همچنان با تعاریف متکثر، مصادیق پراکنده و مسیرهای گاه متناقض روبه‌روست. فصل پیش رو، با مرور ۳۱ اثر در حوزه نظریه‌پردازی و تجربه‌ورزی در اقتصاد مردمی، می‌کوشد نقشه اولیه‌ای از این میدان پُرگفت‌وگو ترسیم کند.



بررسی سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از منظر اقتصاد مردمی



نوع مطالعه: مقاله علمی-پژوهشی | روش: موردکاوی کیفی | نویسندگان: رضا تنهایی مقدم، عادل پیغامی، حجت‌الله عبدالملکی و محمد جواد شریف‌زاده
این مقاله در سال ۱۴۰۳ در فصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی به چاپ رسیده است.

● چیستی اقتصاد مردمی

اقتصاد مردمی اقتصادی است که در آن اولویت تامین کالاها و خدمات با بخش خصوصی و اقتصاد اجتماعی - تحت نظارت و سیاست‌گذاری دولت - باشد و چنانچه این دو بخش دچار شکست شد بخش عمومی وارد شود.

● چرایی اقتصاد مردمی

در زمینه اینکه چرا اقتصاد مردمی مهم است در این مطالعه به سه نکته اشاره شده است:

- ♦ مردمی‌سازی اقتصاد یکی از مولفه‌های اقتصاد مقاومتی است؛
- ♦ در ادبیات متعارف و نامتعارف اقتصادی و تجربیات جهانی نظیر کلیدواژه‌هایی مانند دموکراسی اقتصادی، اقتصاد اجتماعی نیز سابقه دارد و موید این تحلیل است؛
- ♦ مردم‌سالاری اقتصادی و حق نقش‌آفرینی مردم در اقتصاد به عنوان یک اصل مسلم در نظر اسلام پذیرفته شده است.

● چگونگی اقتصاد مردمی

مردمی‌شدن باید در محورهای ملی و اقتصاد کلان و نیز در سطح بنگاه به صورت ذیل صورت گیرد:

۱. مالکیت: در سطح ملی و اقتصاد کلان: امکان بهره‌مندی عموم مردم از اموال و

منابع طبیعی

- ۱/۲. در سطح بنگاه: امکان مالکیت کارکنان هر بنگاه اقتصادی بر سهام بنگاه.
۲. مدیریت:
- ۲/۱. در سطح ملی و اقتصاد کلان: توزیع قدرت تصمیم‌گیری اقتصادی متناسب با حق و مسئولیت افراد در سطوح مختلف درآمدی، جغرافیایی، صنفی، اقشار و...
- ۲/۲. در سطح بنگاه: ایجاد فضای نقش‌آفرینی صاحبان عوامل تولید (اعم از کار، سرمایه و...) در اداره بنگاه.
۳. سهم‌بری و بهره‌مندی از منافع:
- ۳/۱. در سطح ملی و اقتصاد کلان: توزیع منافع حاصل از بهره‌برداری از منابع طبیعی و اموال عمومی به دلیل حق مالکیت و حق تسخیر نوع انسان بر آن منابع و تامین حداقل‌های یک زندگی برای هر فرد به دلیل وجود حق حیات برای هر انسان.
- ۳/۲. در سطح بنگاه: سهم‌شدن کارکنان هر بنگاه - صرف نظر از مالک بودن یا نبودن - از منافع ایجادشده در بنگاه در اثر تلاش کارکنان.

منبع: تنهایی مقدم، رضا؛ پیغامی، عادل؛ عبدالملکی، حجت‌الله؛ شریف‌زاده، محمد جواد (۱۴۰۲): بررسی سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از منظر اقتصاد مردمی. مطالعات اقتصاد اسلامی سال چهاردهم



تبیین چیستی، چرایی و چگونگی اقتصاد مردمی با تمرکز بر سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی؛ رویکردی جامع برای مردمی‌سازی در سطوح کلان و بنگاه با تاکید بر مالکیت، مدیریت و سهم‌بری.



نهاد اجتماع به مثابه سازمان دهی اقتصادی ورای دوگانه بازار و دولت

نوع مطالعه: مقاله علمی-پژوهشی | روش: توصیفی-تحلیلی | نویسندگان: سیدمحمد حسینی فرد، ابوالقاسم توحیدی نیا و الیاس نادران
این مطالعه در سال ۱۴۰۳ در فصلنامه مجلس و راهبرد به چاپ رسیده است.

● چستی مردمی سازی اقتصاد

هم دولت و هم بازار در تخصیص بهینه منابع شکست می‌خورند و نهاد اجتماع می‌تواند به حل شکست آن‌ها کمک کند. نهاد، اجتماع شبکه‌ای از روابط بین افرادی است که همدیگر را می‌شناسند و هنجارهایی بر رفتارشان حکمفرماست؛ به این صورت که تخطی از هنجارها توسط اعضا می‌تواند با تنبیه اجتماعی توسط دیگر اعضا پاسخ داده شود. مردمی سازی در این مقاله به معنای «گسترش مشارکت و نقش آفرینی مستقیم مردم در فرآیندهای اقتصادی» است. این مفهوم به دنبال ایجاد بسترهایی است که افراد و جوامع محلی بتوانند به طور فعال و موثر در تصمیم‌گیری‌ها و مدیریت اقتصادی نقش داشته باشند. اجتماع یک ساختار جزئی (شخصی) است که رفتارها و روابط را در قالب هنجارها و با نیروی محرکه انگیزه‌های غیرمالی و ترجیحات اجتماعی (مثل تقابل مثبت و منفی طرد اجتماعی، شهرت و جایگاه اجتماعی و احترام، نوع دوستی و...) کانالیزه می‌کند. مهمترین ویژگی‌های اجتماعی که می‌تواند از طریق حل مشکل اطلاعات ناقص و رفتار فرصت طلبانه شکست‌های بازار و دولت را جبران کند عبارت است از: شخصی بودن روابط، دارا بودن فرآیند حل اختلاف درونی، توان مقابله به مثل، بروز انگیزه‌های غیرمالی، بده بستان اجتماعی، کنترل ورود غریبه‌ها و التزام گر خورده است.

● چرایی مردمی سازی اقتصاد

پاشنه آشیل شکست دولت و بازار (که اتفاقاً نقطه قوت نهاد اجتماع است) عبارت است از اطلاعات. در سازماندهی مبتنی بر نهاد اجتماع، تصمیم‌گیری تا جای ممکن به صورت محلی و غیرمتمرکز صورت می‌گیرد و همین عاملی مهم در پویایی قاعده‌گذاری‌ها (وضع قواعد متناسب شرایط و نیازهای محلی و ضمانت اجرای آن‌ها) محسوب می‌شود. از سوی دیگر نهاد اجتماع این قابلیت را دارد که از طریق ساختار اقتصادی غیرمتمرکز هم بستر مشارکت در تولید و کاهش اجیرشدن را فراهم کند و هم به عدم تمرکز تصمیم‌گیری در اقتصاد کمک کند که به توزیع عادلانه‌تر درآمد کمک می‌کند. دلیل تمرکز بر مردمی سازی اقتصاد، تأکیدی است که از سوی نهادگرایان جدید نظیر اوستروم و ویلیامسون در خصوص کارایی نهادهای محلی و تکثر نهادهای تصمیم‌گیر و نیز کاهش هزینه مبادله در انواع پیوندهای اقتصادی و اجتماعی عنوان شده است.

درواقع دلایل مردمی سازی اقتصاد عبارت است از:

۱. کارایی بالاتر: طبق مطالعات الینور اوستروم، مدیریت منابع توسط جوامع محلی به طور کلی کارآمدتر از مدیریت دولتی یا خصوصی است. این به دلیل آشنایی بهتر افراد محلی با شرایط و نیازهای منطقه‌ای است.
۲. عدالت اجتماعی: مردمی سازی می‌تواند منجر به توزیع عادلانه‌تر منابع و فرصت‌ها شود. این امر به خصوص در مواردی که نهادهای دولتی یا خصوصی

نتوانند نیازهای همه افراد را به خوبی پاسخ دهند، اهمیت دارد.

۳. کاهش کژمنشی و کژگزینی: با مشارکت مستقیم مردم در فرآیندهای اقتصادی، احتمال سوءاستفاده از منابع و عدم تعهد کاهش می‌یابد. افراد به دلیل داشتن نقش مستقیم، احساس مسئولیت بیشتری خواهند داشت.

● چگونگی مردمی سازی اقتصاد

نهاد اجتماع اولاً اقتصاد را از حالت بنگاه‌های بزرگ (که اکثریت نیروی کار خود را اجیر کرده باشد) به سمت بنگاه‌های کوچک تخصصی و خویش‌فرمایی بیشتر نیروی کار تغییر شکل می‌دهد. از سوی دیگر حاکمیت بایستی به تقویت نهاد اجتماع همت گمارد و پیوندهای اجتماعی را تقویت و از اضمحلال آن‌ها جلوگیری کند. از جمله اقدامات و راهبردها در این زمینه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. مطالعات انواع گروه‌های اجتماعی موجود در ایران از جمله گروه‌های جهادی، سازمان‌های مردم‌نهاد، گروه‌های خانوادگی و قومی و محلی با تمرکز بر گروه‌های داخل فرهنگ خاص ایرانی-اسلامی؛
۲. آسیب‌شناسی تلاش‌های گذشته جهت استفاده از ظرفیت مردمی در حکمرانی از قبیل شوراهای دهیاری‌ها، اصناف، اتحادیه‌ها؛
۳. آسیب‌شناسی تعاونی‌ها؛

۴. تغییر رویکرد از خصوصی سازی به مردمی سازی مبتنی بر نهاد اجتماع:

- ♦ تشکیل نهادهای محلی و جوامع: ایجاد و تقویت نهادهای محلی که بتوانند به صورت مستقل به مدیریت منابع و امور اقتصادی بپردازند؛
- ♦ توسعه قراردادهای مشارکتی: استفاده از قراردادهای مشارکتی که در آن افراد به طور مشترک در سود و زیان پروژه‌ها سهیم هستند، به جای مدل‌های استخدای سنتی؛
- ♦ تقویت بسترهای قانونی و نهادی: ایجاد و تقویت قوانین و نهادهایی که امکان مشارکت فعال مردم را در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی فراهم کنند؛
- ♦ آموزش و فرهنگ سازی: افزایش آگاهی و آموزش مردم در زمینه‌های اقتصادی تا بتوانند نقش فعالی در مدیریت منابع ایفا کنند؛
- ♦ تسهیل ارتباطات و اطلاعات: ایجاد سیستم‌های جمع‌آوری و اشاعه اطلاعات که به مردم کمک کند تصمیم‌های آگاهانه‌تری بگیرند و حرکت‌های جمعی را تسریع کنند.

منبع: حسینی فرد، سیدمحمد، توحیدی نیا، ابوالقاسم و نادران، الیاس. (۱۴۰۳). نهاد اجتماع به مثابه سازمان‌دهی اقتصادی ورای دوگانه بازار و دولت. مجلس و راهبرد، ۳۱(۱۱۸)، ۲۵۹-۲۹۴. doi: ۱۰.۲۲۰۳۴/۱۰۲۳۵۴۵۸/۵۲۰۴

مدل‌های کسب‌وکار اقتصاد مردمی

نوع مطالعه: کتاب | روش: توصیفی-تحلیلی | نویسندگان: میرسامان پیشوایی، اشرف السادات موسوی و مهسا سلسبیل
این کتاب با عنوان «مدل‌های کسب‌وکار اقتصاد مردمی» در سال ۱۳۹۶ به چاپ رسیده است.

● چیستی اقتصاد مردمی

اقتصاد مردمی، نظامی شبکه‌ای با ارتباطات نامتقارن است که مبتنی بر اصول توحیدی اسلام و با استفاده از مالکیت مختلط، عقود اسلامی و فناوری نوین فرصت مشارکت وسیع و استثنای پذیر مردم را (تا حد امکان) مستقل از زمان و مکان چنان فراهم می‌کند که مردم قادر باشند ضمن تعاون-مسابقه‌ای جهادی و نوآورانه در فعالیت‌های اقتصادی به رفع احتیاجات مردم بپردازند و با توجه به مطلوبیت خروجی تولید شده و نه اعتبار تولیدکننده، کسب منفعت (مادی و معنوی) کنند و از این طریق دوام و قوام جامعه و پیشرفت استوار آن را تضمین کنند. چشم‌انداز اقتصاد مردمی دستیابی به اقتصادی است که در آن «هر فرد از جامعه، در هر زمان و مکان قادر باشد به هر اندازه و به هر طریق که تمایل دارد در اقتصاد مشارکت کرده و از منفعت آن بهره‌مند شود. برآیند چنین حالتی رفع احتیاجات، دوام و قوام جامعه و پیشرفت استوار آن خواهد بود. اقتصاد مردمی اقتصادی است که در آن امکان نقش‌آفرینی وسیع، عمومی، شفاف، عادلانه و تبعیض‌ناپذیر آحاد مردم در یک جامعه متناسب با توانمندی هر یک از آن‌ها در هر زمان و مکان در راستای خلق ارزش اقتصادی و پیشرفت جامعه به وجود می‌آید. وظیفه حکومت برای تحقق اقتصاد مردمی این است که شرایط فعال‌سازی کلیه امکانات، منابع مالی، سرمایه‌های انسانی و علمی کشور را در فعالیت‌های اقتصادی فراهم کند و در شرایط بحران‌های اقتصادی کنونی این سرمایه‌های عظیم مردمی را به جنبش درآورد.

● چرایی اقتصاد مردمی

منظور از اقتصاد مردمی، اقتصادی سازگار با مبانی اسلامی و چارچوب اقتصاد مقاومتی است. از نظر مقام معظم رهبری، نظام اسلامی مردم‌سالاری دینی است که به این معنا است که مردم باید در اداره و تشکیل حکومت نقش داشته باشند و سیاست نظام اسلامی آن است که به توده مردم تکیه کند و رضایت آن‌ها را مدنظر داشته باشند. از سوی دیگر در اصول مختلف قانون اساسی از جمله اصل سوم بیان شده است که مشارکت مردم باید در همه عرصه‌های اداره کشور وجود داشته باشد. مشارکت مردم در امور عمومی را از منظر فلسفی نیز می‌توان توجیه کرد و خلافت الهی انسان از سویی و از سوی دیگر احتیاج متقابل افراد جامعه و ضرورت استخدام متقابل، ضرورت مردمی‌بودن اقتصاد را از منظر فلسفی مورد بحث قرار می‌دهد. اصول بنیادین اقتصاد مردمی

عبارت است از: اسلام محوری، مردمی بودن، تولید جهادی مبتنی بر نوآوری اجتماعی، فرصت‌آفرینی عادلانه و شایسته محور، دوام و قوام اجتماعی، منطق تعاون-مسابقه، توزیع‌شدگی، استواری و اختلال‌ناپذیری و مالکیت مختلط.

● چگونگی اقتصاد مردمی

پایه‌سازی اقتصاد مردمی از طریق مدل کسب‌وکار اقتصاد مردمی صورت می‌گیرد که متشکل از اجزایی است که مشخص می‌کند که چگونه می‌توان با پیروی از یک منطق معین و با صرف ورودی‌ها (منابع و زیرساخت‌های موجود) و بهره‌گیری از نقش‌آفرینی مردم به عنوان موتور محرک مدل، خروجی‌ها (ارزش‌های پیشنهادی) را از طریق کانال توزیع به دست مصرف‌کننده رساند. مدل‌های کسب‌وکار اقتصاد مردمی در قالب شش رویکرد دسته‌بندی شده‌اند:

۱. جمع‌سپاری (مبتنی بر تامین مالی خرد و صندوق‌های کسب‌وکار اجتماعی)؛
۲. نوآوری باز (نوآوری از خارج به داخل و از داخل به خارج)؛
۳. مدل‌های مشارکت عمومی-خصوصی؛
۴. کارآفرینی مردمی و کسب‌وکارهای خانگی؛
۵. کسب‌وکارهای منطقه‌ای (خوشه‌های صنعتی)؛
۶. رویکرد حل بحران اقتصادی-اجتماعی توسط مردم.

در این اثر، اقتصاد مردمی، نظامی سازگار با مبانی اسلامی و اقتصاد مقاومتی تعریف شده است؛ که به بررسی اصول بنیادین اسلام محوری، تولید جهادی، فرصت‌آفرینی عادلانه و دوام اجتماعی در چارچوب مدل‌های کسب‌وکار مردمی می‌پردازد.

درنهایت به منظور ارزیابی عملکرد کارآ و مطلوب برای

کسب‌وکارهای اقتصاد مردمی بایستی معیارهایی تعریف کرد و عملکرد مدل را براساس آن معیارها ارزیابی کرد و مدل ارزیابی و تعالی سازمانی کسب‌وکارهای مردمی بدین منظور طراحی شده است. در این مدل چشم‌انداز، اصول بنیادین، مولفه‌های تعالی و معیار ارزیابی آن در هر یک از اجزای مدل تعریف شده است.

منبع: پیشوایی، میرسامان؛ موسوی، اشرف السادات؛ سلسبیل، مهسا (۱۳۹۶): مدل‌های کسب‌وکار اقتصاد مردمی. قم: انتشارات آل احمد(ع).



نقش دولت در مردمی کردن اقتصاد؛ براساس نامه‌های حضرت امیر (علیه السلام) به فرمانداران بلاد

نوع مطالعه: مقاله علمی-پژوهشی | روش: تحلیل مضمون | نویسندگان: ابوالقاسم توحیدی نیا و عاطفه نوروزی
این مقاله در فصلنامه پژوهش‌های کاربردی اقتصاد امنیت ملی در سال ۱۴۰۳ به چاپ رسیده است.

برعهده حکومت اسلامی است.

● چگونگی اقتصاد مردمی

براساس یافته‌های پژوهش ۶ مضمون سازمان دهنده «اعتماد سازی، انگیزه بخشی، زمینه سازی، فرصت سازی، ظرفیت سازی و توانمند سازی» به عنوان وظایف اصلی دولت در مردمی کردن اقتصاد به دست می‌آید که در سه مضمون فراگیر انباشت سرمایه اجتماعی (اعتماد و سایر) و خلق سرمایه انسانی (تبدیل آحاد مردم به سرمایه انسانی) و تامین سایر سرمایه‌ها (طبیعی، فیزیکی و مالی لازم جهت مشارکت مردم) جای می‌گیرند. دولت باید ابتدا با جلب اعتماد مردم و ایجاد انگیزه‌های قلبی و معنوی در دل و جان‌شان، آنان را با نظام اسلامی همدل کند. پس از ایجاد اعتماد و جلب همدلی مردم رغبت می‌کنند نقشی را که حکومت می‌خواهد به میل و اراده ایفا کنند و در این مرحله دولت موظف است مردم را توانمند کند تا در قامت مولدان اقتصادی عزتمند ایفای نقش کنند و فرصت نقش آفرینی در اقتصاد برای آنان را فراهم آورد. اما توانمندی شرط لازم است ولی شرط کافی آن فراهم کردن تجهیزات، ماشین‌آلات و سرمایه برای مردم است.



منبع: توحیدی نیا، ابوالقاسم، & نوروزی، عاطفه. (۱۴۰۳). نقش دولت در مردمی کردن اقتصاد؛ براساس نامه‌های حضرت امیر (علیه السلام) به فرمانداران بلاد. پژوهش‌های کاربردی اقتصاد امنیت ملی، (۱۱)، ۱۶۹-۱۹۸

● چیستی اقتصاد مردمی

دو تعریف سلبی و ایجابی می‌توان از اقتصاد مردمی ارائه کرد:

تعریف سلبی: اقتصاد مردمی اقتصادی است که ضعف‌های نظام‌های زیر را نداشته باشد: نظام سرمایه‌داری لیبرال بازارمحور، نظام اقتصادی سوسیالیستی و نظام دولت رفاه. مشخصه بارز نظام‌های اقتصادی فوق جیره‌خواری اکثریت مردم است البته با تفاوت در جیره‌دهنده، که این در تقابل با عزت انسان و کسب درآمد به صورت عزتمندانه است.

تعریف ایجابی: اقتصاد مردمی اقتصادی است که تلاش می‌کند نقش مردم را در اقتصاد اصلاح کند طوری که همگی با رضایت و اختیار در امور اقتصادی مشارکت فعال (و نه منفعل) داشته باشند و بتوانند با تلاش خود و بهره‌مندی کامل از عواید تلاش خود امرار معاش کنند و همگی از حداقل‌های لازم برای یک زندگی آبرومند بهره‌مند شوند.

با این اوصاف اقتصاد مردمی در معنای خاص متمرکز بر توانمندی اکثریت آحاد مردم بر تولید کالاها و خدمات مورد نیاز جامعه در قالبی فعالانه و خودکارفرمایانه (نه قالبی منفعل و اجیرگونه) و کسب درآمد از محل تولید خود (ونه از محل تولید برای دیگری) است.

● چرایی اقتصاد مردمی

چرایی مردمی کردن اقتصاد از چند وجه قابل بیان است: نظام‌های اقتصادی موجود (سرمایه‌داری، سوسیالیستی و دولت رفاه) نقایص جدی دارند و اقتصاد مردمی که در نظام‌های اقتصادی مسبوق به سابقه نیست به دنبال رفع نقائص این نظام‌هاست. بسیاری از ویژگی‌های یک اقتصاد مردمی از جمله مولد بودن، عزتمند بودن و عدم مزدبگیری و جیره‌خواری مورد تاکید اسلام هم بوده است و بدون وجه نیست اگر بگوییم اسلام از همان ابتدا چنین نظام مردم بنیانی را مدنظر داشته است. مردمی کردن اقتصاد یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی است و تسهیل مشارکت مردمی توسط حاکمیت برای استقلال اقتصادی مردم، از اغراض عقلایی مطلوبی است که کمتر کسی با آن‌ها مخالفت می‌ورزد. با توجه به قانون اساسی تامین امکانات مساوی و متناسب و ایجاد شرایط کار برای همه افراد و رفع نیازهای ضروری جهت استمرار حرکت تکاملی او



مولفه‌ها، معیارها و شاخص‌های مردم‌محوری در اقتصاد مقاومتی

نوع مطالعه: مقاله علمی-پژوهشی | روش: توصیفی-تحلیلی | نویسندگان: علی قاسمی، محمدکاظم رجایی
این مقاله در سال ۱۳۹۹ در فصلنامه معرفت اقتصاد اسلامی به چاپ رسیده است.

● چیستی اقتصاد مردمی

در فضایی که مردم تصدی تمامی فعالیت‌های اقتصادی را به عهده دارند و دولت فقط اعمال حاکمیت می‌کند، مولفه‌های تشکیل‌دهنده ساختار مردم‌محور در اقتصاد مقاومتی عبارت است از:

- ♦ تصمیم‌گیری و اراده مردم؛
- ♦ سرمایه‌گذاری مردمی؛
- ♦ مدیریت مردمی در اقتصاد.

● چرایی اقتصاد مردمی

اقتصاد مقاومتی ساختاری مردم‌محور دارد.

● چگونگی اقتصاد مردمی

معیارهای مردم‌محوری در اقتصاد مقاومتی عبارت است از:

- ♦ سهولت حضور مردم در اقتصاد؛
- ♦ بهبود فضای کسب‌وکار و تولید؛

- ♦ تکریم تولیدکننده به عنوان سرباز نبرد اقتصادی؛
 - ♦ تشویق تولیدکننده داخلی و صادرکننده؛
 - ♦ القای فرهنگ خرید کالای داخلی؛
 - ♦ تمایل مردم به ایجاد کسب‌وکار خصوصی؛
 - ♦ عدالت در تخصیص و توزیع منابع میان مردم.
- شاخص‌های مردم‌محوری در اقتصاد مقاومتی عبارت است از:
- ♦ نرخ بیکاری (نسبت نیروهای فعال جویای کار به کل نیروهای فعال اقتصادی)؛
 - ♦ نسبت شاغلین در بخش غیردولتی به کل شاغلین؛
 - ♦ نسبت شاغلین مالک به کل شاغلین؛
 - ♦ نسبت شاغلینی که نقش در مدیریت دارند به کل شاغلین.

منبع: قاسمی، علی؛ رجایی‌رامشه، سیدمحمدکاظم (۱۳۹۹): مولفه‌ها، معیارها و شاخص‌های مردم‌محوری در اقتصاد مقاومتی. معرفت ۲۷۲ (۲۹)، pp. ۶۹-۶۱.





بررسی مکانیسم‌های انگیزشی برای مردمی‌سازی اقتصاد

نوع مطالعه: کتاب مجموعه مقالات همایش مردمی‌سازی اقتصاد و اقتصاد مقاومتی | روش: تحلیل کیفی داده‌بنیاد | نویسندگان: محمدرضا حیدری و مرتضی درخشان | این مقاله در سال ۱۴۰۳ در کتاب مجموعه مقالات همایش مردمی‌سازی اقتصاد و اقتصاد مقاومتی در انتشارات پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد به چاپ رسیده است.

چیزی اقتصاد مردمی

تعریف مردم‌محوری این است که در اقتصاد سازوکاری وجود داشته باشد که هیچ‌کس به طرفیت خود از تولید ارزش افزوده در جامعه بازماند و نقش بهینه خود را بیابد و آن را به بهترین شکل در اقتصاد ایفا کند. کانون‌هایی وجود دارد که عمق مردمی‌بودن اقتصاد را تعیین می‌کند که عبارت است از: خانواده، مسجد، مدرسه یا کانون‌های محلی تولید علم، تعاون و تعاونی، بخش سوم اقتصاد، ظرفیت اقوام و اتباع مختلف.

جراحی اقتصاد مردمی

مردمی‌سازی مبنای متفاوتی با خصوصی‌سازی با مبنای نئولیبرالیستی خود دارد. مردم‌محوری یکی از ارکان اصلی اقتصاد مقاومتی به شمار می‌آید. مردمی‌سازی و خاستگاه آن از آموزه‌های اقتصادی اسلام، قانون اساسی (اصل ۴۳، ۴۴ و ۴۵) و روح تعاون سرچشمه می‌گیرد. نقش مالکیت مختلط و ترکیبی که بخشی از آن انفال و بخشی ثروت‌های مشترک است مبنای مردمی‌سازی است. کراهیت اجیرشدن و ترغیب به مشارکت به تعاون، وقف منفعت و ... مبنای مردمی‌سازی اقتصاد در آموزه‌های اقتصادی اسلام است.

چگونگی اقتصاد مردمی

شاخص‌هایی که مردمی‌سازی اقتصاد را تحلیل می‌کنند، عبارت است از: سهم بخش تعاون، بخش خصوصی و بخش سوم در اقتصاد، تعداد نهادهای مردم‌پایه، سهم تامین مالی خرد، سهم تکنولوژی کاربر به سرمایه‌بر، نرخ مشارکت نیروی کار، نرخ تکفل، نرخ بیکاری و جمعیت فعال، سهم عوامل تولید از تولید در اقتصاد، نرخ متناسب مشارکت مردم در فعالیت‌های مولد و غیرمولد.

مکانیسم‌های انگیزشی برای مردمی‌سازی اقتصاد را می‌توان در سه سطح نهادی و بلندمدت، سطح ساختاری و میان‌مدت و سطح اجرایی و کوتاه‌مدت مطرح کرد. در سطح بلندمدت ارتقای سهم نیروی

انسانی در اقتصاد، هدف‌گذاری ثبات در سیاست‌های کلان اقتصادی، افزایش همبستگی پاداش و بهره‌وری، نهادسازی برای تضمین حقوق مالکیت فکری مطرح است. در مکانیسم‌های ساختاری (میان‌مدت)، متشکل کردن فعالین خرد، شفافیت فرایند واگذاری منابع و تصدی‌ها و اصلاح قوانین ناظر بر انگیزه مشارکت مردم در اقتصاد مطرح است و



**اقتصاد مردمی تعریفی
نو از مشارکت همگانی
در تولید ارزش افزوده و
یافتن نقش بهینه افراد
در جامعه است؛ که
مطابق با مبانی اسلامی
و با ارتقای سرمایه
انسانی و ثبات اقتصادی
تا شفافیت و مشارکت
ذی‌نفعان در پروژه‌ها
میسر می‌شود.**

در سطح مکانیسم‌های اجرایی (کوتاه‌مدت)، ارتقای سهم منابع مردمی در بنگاه‌های دولتی و عمومی، اولویت‌بخشی به طرح‌های کاربر توسط دولت و متشکل‌سازی ذی‌نفعان در پروژه‌های منطقه‌ای و محلی، واگذاری طرح‌های نیمه‌تمام ملی و استانی به ذی‌نفعان صاحب صلاحیت و وضع قوانین تشویق‌کننده برای سهام‌دارکردن کارگران و کارکنان در بنگاه‌های اقتصادی می‌تواند در مردمی‌سازی اقتصاد موثر باشد.

منبع: حیدری، محمدرضا؛ درخشان، مرتضی (۱۴۰۳): بررسی مکانیسم‌های انگیزشی برای مردمی‌سازی اقتصاد. وحید ارشدی، رضا تنهایی مقدم گلشیخی (Eds): مجموعه مقالات مردمی‌سازی اقتصاد و اقتصاد مقاومتی. مشهد: پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی، pp. ۵۸-۲۲.



امکان‌سنجی مردمی‌سازی صنعت نفت در ایران

نوع مطالعه: کتاب مجموعه مقالات همایش مردمی‌سازی اقتصاد و اقتصاد مقاومتی | روش: توصیفی-تحلیلی | نویسندگان: علی سعیدی
این مقاله در سال ۱۴۰۳ در کتاب مجموعه مقالات همایش مردمی‌سازی اقتصاد و اقتصاد مقاومتی در انتشارات پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد به چاپ رسیده است.

چپستی اقتصاد مردمی

مهمترین زمینه طرح مفهوم مردمی‌سازی اقتصاد به نفی انحصار و تمرکز در فعالیت‌های اقتصادی بازمی‌گردد. با ایجاد تمرکز در ثروت و قدرت، طبیعتاً آحاد مردم نمی‌توانند نقش موثری در فعالیت‌های اقتصادی و در مالکیت‌ها و تصمیم‌گیری‌ها و بهره‌مندی‌ها داشته باشند. بنابراین مردمی‌سازی اقتصاد نیازمند اصلاح شیوه تولید و خارج شدن از چارچوب‌های نظام سرمایه‌داری مدرن است. افزایش مشارکت مردم در اقتصاد نیازمند مشارکت مردم در منابع تولید ثروت در جامعه اعم از منابع طبیعی و سرمایه است. مشارکت در مالکیت منجر به مشارکت در مدیریت و بهره‌مندی از ارزش افزوده می‌شود. اما گسترش مالکیت مردم با دو مانع اصلی مواجه است. مانع اول مربوط به نظام حقوق مالکیت متمرکز است که اجازه مالکیت آحاد مردم را نمی‌دهد و مانع دوم مربوط به تکنولوژی تولید انبوه است که امکان فنی مشارکت

مردم را نمی‌دهد. نقش‌آفرینی بدنه گسترده‌ای از مردم در اقتصاد نیازمند تعریف حقوق مالکیت و طراحی نظام مالکیت به گونه‌ای است که امکان دسترسی، مدیریت، بهره‌مندی، تصرف و انتقال را به آحاد مردم بدهد، حتی اگر مسئله فنی تولید انبوه از طریق نوآوری‌های فنی حل شود، بدون وجود چنین نظام حقوق مالکیت اساساً امکان تحقق مردمی‌سازی وجود ندارد.

چرایی اقتصاد مردمی

سابقه مفهوم مردمی‌سازی اقتصاد به اصول هشتم، ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی بازمی‌گردد. از سوی دیگر در ادبیات اقتصادی نیز مفهوم دموکراسی اقتصادی نیز به عنوان مفهومی متقارب اقتصاد مردمی مطرح شده است. درواقع مهم‌ترین زمینه طرح مفهوم مردمی‌سازی اقتصاد به نفی انحصار و تمرکز در فعالیت‌های اقتصادی بازمی‌گردد. علاوه بر این توسعه در معنای سرمایه‌داری مدرن نیازمند انباشت سرمایه است و سایر عوامل تولید در نسبت با سرمایه و در خدمت آن تعریف می‌شوند. شیوه تولید انبوه نیازمند سرمایه‌های عظیم است و آحاد مردم نمی‌توانند در آن مشارکت داشته باشند. گسترش



اقتصاد مردمی؛ نفی انحصار و تمرکز در فعالیت‌های اقتصادی، با تأکید بر مشارکت مردم در منابع تولید ثروت و رفع موانع مالکیت و تکنولوژی همراه تحول بنیادین در شیوه تولید و اصلاح نظام حقوق مالکیت برای توزیع عادلانه دسترسی و بهره‌مندی است.

چگونگی اقتصاد مردمی

مردمی‌سازی به معنای مشارکت دادن آحاد مردم در اقتصاد، نیازمند تحولات بنیادین در ساخت صنعت و شیوه تولید است و به بیان دیگر مردمی‌سازی باید به مثابه شیوه تولید نگریسته شود. مردمی‌سازی صنعت نفت با دو منابع جدی مواجه است: مانع فنی و مانع نهادی. از نظر فنی صنعت نفت مبتنی بر شیوه تولید انبوه است و در این شیوه، تولید در مقیاس کوچک فاقد صرفه اقتصادی است. علاوه بر این نظام حقوق مالکیت نفت شامل حق دسترسی، حق بهره‌مندی، حق مدیریت، حق انحصار و حق انتقال مانع نهادی اساسی بر سر راه مشارکت مردم در این صنعت است که عملاً حق دسترسی و مدیریت و بهره‌مندی از آن را در انحصار یک یا چند شرکت محدود قرار داده است و آحاد مردم از آن محروم مانده‌اند. تغییر شیوه تولید انبوه به شیوه تولید مردمی اولاً نیازمند تحقیقات فنی و نوآوری تکنولوژیک برای ایجاد صرفه‌های اقتصادی در مقیاس کوچک برای به صرفه کردن تولید و فراآوری نفت در مقیاس خرد است. همچنین توزیع حق دسترسی برابر میان آحاد مردم و توزیع حق بهره‌مندی بر اساس قاعده کار-مالکیت و توزیع حق مدیریت براساس تعاونی و شرکت‌های کوچک، امکان مردمی‌سازی صنعت نفت را فراهم می‌سازد.

منبع: سعیدی، علی (۱۴۰۳): امکان‌سنجی مردمی‌سازی صنعت نفت در ایران. وحید ارشدی، رضا تنهایی مقدم گلشیخی (Eds): مجموعه مقالات مردمی‌سازی اقتصاد و اقتصاد مقاومتی. مشهد: پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی، pp. ۴۰۳ - ۴۳۱.



کاربست مردمی سازی انرژی های تجدیدپذیر با نقش میانجی گری توسعه نیروگاه های مجازی

نوع مطالعه: کتاب مجموعه مقالات همایش مردمی سازی اقتصاد و اقتصاد مقاومتی | روش: تحلیل مضمون | نویسندگان: سیدمحمد قائم ذبیحی، سیدحسن قریشی، مسعود رضوانیان و الهه سعیدی
این مقاله در سال ۱۴۰۳ در کتاب مجموعه مقالات همایش مردمی سازی اقتصاد و اقتصاد مقاومتی در انتشارات پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی به چاپ رسیده است.

چستی اقتصاد مردمی

مردمی سازی انرژی به این معناست که مصرف کنندگان بیشتری تولیدکننده باشند. همچنین می توان این ایده را به عنوان برق توسط مردم و برای مردم تعریف کرد. در این فرآیند دموکراتیزه کردن برق فرآیندی است که به شهروندان یک کشور اجازه می دهد، اعم از افراد، تعاونی ها یا جوامع، کنترل سیستم های تولید، انتقال و توزیع برق را برای استفاده خودشان در وهله اول، اما با توانایی ایجاد ظرفیت مازاد، کنترل کنند. این سیستم با افزایش قدرت انتخاب و کنترل توسط شهروندان مشخص می شود.

چرایی اقتصاد مردمی

مشارکت مردم در جامعه به ویژه مشارکت اقتصادی، یکی از اصول بنیادین انقلاب جمهوری اسلامی ایران است. دموکراتیزه سازی کامل بخش برق برای توانمندسازی جوامع محلی و تولیدکنندگان کوچک مستقل برای مشارکت در حل بحران برق ایده های منطبق با این اهداف است. از سوی دیگر تامین برق پایدار برای مردم و فروش مازاد بار تولیدی به شبکه برق می تواند بسیار سودمند و از جمیع جهات اقتصادی و عدالت اجتماعی مهم تلقی شود.

تولید پراکنده انرژی تجدیدپذیر در سطح کشور با توسعه نیروگاه مجازی سبب اجرا و استحکام مضمون پدافند غیرعامل می شود.

چگونگی اقتصاد مردمی

با توسعه نیروگاه مجازی انرژی تجدیدپذیر (با تمرکز ویژه بر پتانسیل انرژی خورشیدی و انرژی بادی در کشور) می توان مردمی سازی صنعت برق را به پیش برد. در این حالت عواید اقتصادی و زیست محیطی ساخت نیروگاه مورد بررسی قرار گرفته و نشان داده شده است که طرح پیشنهادی از نظر اقتصادی بازگشت سرمایه جذابی برای سرمایه گذاران خرد ایجاد می کند.

منبع: ذبیحی، سیدمحمد قائم؛ قریشی، سیدحسن؛ رضوانیان، مسعود؛ سعیدی، الهه (۱۴۰۳). کاربرد مردمی سازی انرژی های تجدیدپذیر با نقش میانجی گری توسعه نیروگاه های مجازی. وحید ارشدی، رضا تنهایی مقدم گلشیخی (Eds): مجموعه مقالات مردمی سازی اقتصاد و اقتصاد مقاومتی. مشهد: پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی، ۴۵۲-۴۸۴ pp.



مردمی سازی انرژی
فرآیندی است که
از طریق تولید و کنترل
برق توسط شهروندان
(افراد، تعاونی ها،
جوامع) برای مصرف
شخصی و تولید مازاد
مطابق با اصول انقلاب
اسلامی و توانمندسازی
جوامع محلی، حوزه
انرژی را دموکراتیزه
می کند.





مبانی و مدل‌های مشارکت مردمی در اقتصاد مقاومتی

نوع مطالعه: کتاب | روش: روش ترکیبی اجتهادی (تکوینی از زیربنا به روبنا و روش رسیدن از روبنا به زیربنا) | نویسندگان: احمدعلی یوسفی
این کتاب در سال ۱۳۹۵ با عنوان مبانی و مدل‌های مشارکت مردمی در اقتصاد مقاومتی منتشر شده است.

چیزیستی اقتصاد مردمی

نظام مردم‌سالاری اقتصادی دینی در مقابل نظام سرمایه‌سالاری و دولت‌سالاری قرار دارد. در این نظام تلاش می‌شود همه مردم براساس تعالیم دینی ضمن تلاش برای تحقق هدف‌های اقتصادی، دائم به لحاظ اخلاقی، اجتماعی و دانش تخصصی در رشد و بالندگی باشند. این زمانی محقق می‌شود که ساختار اقتصادی به گونه‌ای طراحی و اجرا شود تا همه فعالان اقتصادی (صاحبان سرمایه، نیروی کار و مصرف‌کنندگان) بتوانند به هدف‌های خود در عرصه اقتصادی دست یابند. همچنین بهره‌مند از همه حقوق اقتصادی خود باشند و به تکالیف خود نیز عمل کنند. مقصود از اقتصاد مردمی، اقتصاد بخش خصوصی متعارف نیست.

چرایی اقتصاد مردمی

در منابع دینی بر نقش مردم در تمام امور و اعتماد و اتکا بر آنان در حل مشکلات جامعه مطالب فراوانی آمده است. از نظر امام خمینی مشارکت مردم در اقتصاد راه مقابله با تهدیدهای اقتصادی دشمن است. از نظر مقام معظم رهبری اسلام معتقد به اقتصاد مردمی است و ما باید از اقتصاد دولتی فاصله بگیریم. همچنین حضور مردم معیار حل مشکلات و باعث عنایت الهی است.

چگونگی اقتصاد مردمی

نوع و گستره مدل‌های مشارکت مردمی در اقتصاد تابع مبانی طراحی آن است. مبانی هستی‌شناسی شامل خداشناسی (توحید افعالی و عملی)، مبانی جهان‌شناسی (نظام احسن و هدف‌داری جهان)، مبانی انسان‌شناسی (اختیار، هدف و...) و مبانی جامعه‌شناسی است. این مبانی تعیین‌کننده اهداف مالکیت و اصول رفتاری متناسب با هدف‌ها و این چهارچوب تعیین‌کننده ساختارهای اقتصادی است. منطق ساختار مردم‌سالاری اقتصادی بر این اساس است که فعالان اقتصادی به هدف منفعت خود و سایر افراد مطابق با اصل رفتاری تعاون-رقابت مسئولانه (تعاون در درون مدل و رقابت مسئولانه با بیرون مدل) با مالکیت مشاعی در سطح جغرافیایی منطقه‌ای یا ملی در عرصه تولید یا توزیع یا مصرف مطابق با موازین اسلامی فعالیت می‌کنند. بنابراین مدل‌های این ساختار به سه دسته تقسیم می‌شوند: بنگاه‌های مردم‌سالاری اقتصادی منطقه‌ای، ملی و فراگیر. مهمترین ویژگی بنگاه فراگیر رفع نزاع بین فعالان اقتصادی (تولیدکننده و مصرف‌کننده) و نیز بین مصرف و تولید تعادل پایدار ایجاد می‌شود.

منبع: یوسفی، احمدعلی (۱۳۹۵): مبانی و مدل‌های مشارکت مردمی در اقتصاد مقاومتی. شهرکرد: مقاومت.



اقتصاد مردمی جایگزینی برای نظام‌های سرمایه‌سالاری و دولت‌سالاری است که با تبیین از منابع دینی و دیدگاه امام خمینی (ره) و نظر مقام معظم رهبری در خصوص لزوم فاصله گرفتن از اقتصاد دولتی، هدف توانمندسازی تمامی فعالان اقتصادی (صاحبان سرمایه، نیروی کار، مصرف‌کنندگان) برای دستیابی به اهداف و حقوق اقتصادی خود و رشد همه‌جانبه را دنبال می‌کند.





نقش تعاونی‌ها در اقتصاد مقاومتی (۱): راهکارهای ارتقای بهره‌وری تعاونی‌های دانش بنیان در مسیر اقتصاد ملی

نوع مطالعه: گزارش پژوهشی | روش: تحلیل مضمون | نویسندگان: معصومه ندیری و محمد تقی ضرغام
این مطالعه در قالب گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس در سال ۱۴۰۳ منتشر شده است.

● چستی اقتصاد مردمی

مردمی شدن در اقتصاد ملی طرحی است که بتواند مشارکت همه اقشار را در اقتصاد فراهم آورد خصوصاً اقشار ضعیف. ویژگی مردمی بودن از این نقطه در اقتصاد مقاومتی اهمیت می‌یابد که هم جهت کردن منافع کشور از این طریق که منفعت ملی امکان پیگیری منافع شخصی را برای اتحاد ملت ایجاد می‌کند، گامی مهم در مردمی کردن اقتصاد است. هر قدر همکاری دولت و مردم در نقاطی که برای اقتصاد مقاومتی و اقتصاد ملی ایران بیشتر شود، امکان خلق منافع فردی در راستای تقویت قدرت اقتصاد ملی نیز بیشتر می‌شود. چراکه جهت محاسبه سود و زیان مردم یکسان می‌شود. هر قدر مردم بیشتری به واسطه کار خود در ایجاد مازاد تجاری شرکت کنند امکان بیشتری برای ثروتمندی و قدرت کشور فراهم می‌کند. سه ویژگی مردمی بودن، توجه به اهداف اجتماعی و شیوه سازماندهی تعاونی‌ها، ظرفیت گسترده‌ای برای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی خصوصاً مردمی کردن اقتصاد و مشارکت دادن تعداد بیشتری از مردم در نقطه تولید معطوف به ایجاد مازاد تجاری، انحصارزدایی نفتی از اقتصاد، زمینه حضور تعداد بیشتری از اقشار جامعه و نوعی مشارکت در ساختن سرنوشت و تصمیمات بزرگ ملی را ایجاد می‌کند.

● چرایی اقتصاد مردمی

تعاونی‌های دانش بنیان به دلایل متعددی تشکیل می‌شوند که در زیر به برخی از مهمترین آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. **مردمی کردن اقتصاد:** تعاونی‌های دانش بنیان با هدف شکستن انحصارها و مشارکت دادن نخبگان و عموم مردم در تولید دانش و فناوری، به دنبال مردمی کردن اقتصاد هستند.

۲. **اهداف اجتماعی و خیر عمومی:** این تعاونی‌ها علاوه بر اهداف اقتصادی، به دنبال تحقق اهداف اجتماعی و خیر عمومی هستند. این ویژگی باعث می‌شود که توجه بیشتری به حل مشکلات اجتماعی و اقتصادی مناطق کم برخوردار داشته باشند.

۳. **ایجاد اشتغال:** تعاونی‌های دانش بنیان می‌توانند با ایجاد فرصت‌های شغلی در حوزه‌های مختلف، به کاهش بیکاری و جلوگیری از مهاجرت نخبگان کمک کنند.

۴. **تقویت اقتصاد مقاومتی:** این تعاونی‌ها می‌توانند با افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش بنیان، در راستای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی نقش مهمی ایفا کنند.



مردمی شدن اقتصاد ملی طرحی است برای مشارکت همه اقشار، به ویژه اقشار ضعیف، با هدف خلق منافع فردی در راستای تقویت اقتصاد ملی، شکستن انحصارها، تحقق اهداف اجتماعی، ایجاد اشتغال، تقویت اقتصاد مقاومتی و استقلال اقتصادی که با هم جهت کردن منافع ملی و شخصی، امکان خلق منافع فردی در راستای تقویت اقتصاد ملی را فراهم می‌آورد و منجر به افزایش ثروت و قدرت کشور می‌شود.

۵. **استقلال اقتصادی:** با توجه به شرایط خاص جغرافیایی و سیاسی ایران، تعاونی‌های دانش بنیان می‌توانند به استقلال اقتصادی کمک کنند و مردم را در برابر تصمیمات دیگر کشورها مقاوم‌تر سازند.

۶. **نوآوری و خلاقیت:** شرکت‌های دانش بنیان به عنوان موتور محرک نوآوری و خلاقیت عمل می‌کنند و امکان فراروی از سیستم‌های بسته اقتصادی را فراهم می‌کنند.

۷. **توسعه محلی:** این تعاونی‌ها می‌توانند با بهره‌گیری از ظرفیت‌های محلی، به توسعه اقتصادی ملی کمک کنند و در عین حال نیازهای محلی را نیز برآورده سازند.

۸. **تقویت حس ملی:** مشارکت مردم در پروژه‌های بزرگ ملی باعث تقویت حس تعلق خاطر و یکپارچگی ملی می‌شود و احساس مسئولیت بیشتری نسبت به سرنوشت کشور ایجاد می‌کند.

در مجموع، تعاونی‌های دانش بنیان نه تنها به تولید و توزیع دانش کمک می‌کنند، بلکه به عنوان یک ابزار موثر در توسعه پایدار و تقویت اقتصاد ملی عمل می‌کنند.

● چگونگی اقتصاد مردمی

تعاونی‌های دانش بنیان یکی از فرصت‌های گسترده حضور در عرصه اقتصادی است که همه اقشار می‌توانند با هر سطحی از توانایی مالی در آن مشارکت فعالانه داشته باشند. تعاونی‌های دانش بنیان می‌توانند سرمایه اندک مالی دانش‌آموختگان جوان دانشگاهی را حل کنند و افراد می‌توانند با داشتن حق رای از ایده خود با ضریب اطمینان مراقبت کنند. این ویژگی‌ها در ترکیب با وضعیت دانش بنیان‌بودنشان ظرفیت گسترده‌تری برای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی خصوصاً مردمی کردن اقتصاد، مشارکت دادن تعداد بیشتری از مردم در نقطه تولید معطوف به ایجاد مازاد تجاری، انحصارزدایی منفی از اقتصاد، تقویت اقتصاد غیرنفتی، فراهم آوردن زمینه برای حضور تعداد بیشتری از اقشار و اتحاد جامعه در ساخت پهنه ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک کشور که خود به نوعی مشارکت در ساختن سرنوشت و تصمیمات بزرگ ملی است را ایجاد می‌کند. نیمی از تعاونی‌های کشور تولیدی است و اگر این‌ها بتوانند دانش بنیان شوند و به سمت خلق ارزش و مازاد تجاری بروند، تولیدات غیرنفتی افزایش می‌یابد.

منبع: ندیری، معصومه (۱۴۰۳): نقش تعاونی‌ها در اقتصاد مقاومتی (۱): راهکارهای ارتقای بهره‌وری تعاونی‌های دانش بنیان در مسیر اقتصاد ملی. گزارش‌های کارشناسی (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی) ۱۶۵ (۳۲)، pp. ۱۶۳۴-۱۶۶۲.



چارچوب مفهومی نقش مردم در توزیع عادلانه یارانه

نوع مطالعه: کتاب مجموعه مقالات همایش مردمی‌سازی اقتصاد و اقتصاد مقاومتی | روش: توصیفی-تحلیلی | نویسندگان: علی مصطفوی
این مقاله در سال ۱۴۰۳ در کتاب مجموعه مقالات همایش مردمی‌سازی اقتصاد و اقتصاد مقاومتی در انتشارات پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی به چاپ رسیده است.

● چستی اقتصاد مردمی

مردمی‌سازی اقتصاد در حوزه سازوکارهای توزیع یارانه در اقتصاد درمقابل منطق مدیریت دولتی است که جنسی انتزاعی، بالا با پایین و متمرکز دارد؛ که تاکید دارد محرومیت و فقر عنصری درآمدی است و سیاست مطلوب، توزیع مستقیم یارانه به همه است. حال آنکه رویکرد مردمی‌سازی یارانه‌ها، نگاهی پایین به بالا دارد که در آن کانال‌ها و فرآیندهای توزیع یارانه متناسب با جنس محرومیت از انعطاف برخوردار است و مشارکت مردمی در شناخت، برنامه‌ریزی و نظارت بر اجرایی محرومیت‌زدایی برقرار است. در این نگاه مشکل فقر صرفاً درآمد نیست و فقر مسئله‌ای چندبعدی است. مردمی‌سازی یارانه‌ها یعنی فهم اینکه یارانه می‌بایست به شکل کاملاً محلی و توسط سازمان‌های مردم‌نهاد محلی و منطقه‌ای و نه صرفاً نقدی یا کالایی توزیع شود و شکل آن هم متناسب با نوع فقر و محرومیت متغیر باشد. گاهی نیاز به یارانه نقدی است و گاه یارانه کالایی، گاهی نیاز به ایجاد نهادهای تسهیل‌گر است و گاه نیاز به خدمات حمایتی مانند خدمات بهداشتی و درمانی و یا مشاوره‌ای. بنابراین نگاه اصلی مردمی‌سازی یارانه در مشارکت سازمان‌های بخش سوم و مردم‌نهاد در توزیع یارانه‌هاست.

● چرایی اقتصاد مردمی

در بند چهارم سیاست‌های اقتصاد مقاومتی بر توزیع و هدفمندی یارانه‌ها بر مدار ارتقای عدالت تاکید شده است. برآیند اندیشه اسلامی نشان می‌دهد بار اصلی برپایی عدالت برعهده مردم است. از سویی اصل تکافل عامه در اندیشه شهید صدر را می‌توان تلاقی نگاه عدالت‌خواهانه و از طرفی دیگر ناظر به ساحت مداخله و مشارکت مردمی دانست. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که اقامه عدالت در جامعه اسلامی علاوه بر اینکه وظیفه دولت است، اما بُعد مردمی نیز دارد و بدون مشارکت مردم امکان تحقق واقعی عدالت میسر نیست. مطالعات نشان داده است بخش مردمی بر بخش دولتی در رفع فقر حداقل در هفت مورد برتری دارد: خلاقیت و نوآوری در روش حمایت،

انعطاف‌پذیری در برنامه‌ریزی و اجرا، دانش فنی تخصصی از محیط عمل، تمرکز بر خدمات محلی، طراحی و پیاده‌سازی بهتر مدیریت منابع مشترک، اعتماد و اعتبار بالاتر در بین مردم، نمایندگی و شناخت بهتر نیازهای مردم.

● چگونگی اقتصاد مردمی

دو نگاه اصلی ناظر به جریان یارانه‌های حمایتی وجود دارد. نگاهی که قائل به توزیع مستقیم و نقدی این منابع یارانه‌ای بین آحاد جامعه است و نگاهی که قائل به هزینه‌کرد هدایت‌شده و آگاهانه برای توانمندسازی و محرومیت‌زدایی است. آنچه مشخص است رویکرد نخست که قائل به پرداخت مستقیم و نقدی تمام یارانه‌هاست از چند جهت مورد نقد قرار گرفته است؛ و مهمترین آن این است که مدیریت دولتی به واسطه نگاهی انتزاعی و بسیط و از بالا به پایین امکان شناخت و حل مسئله فقر چند بعدی را ندارد.

شکست این نگاه رفع محرومیت باعث شکل‌گیری ایده توانمندسازی محرومین شد. این نگاه که قائل به فقر چند بعدی، زمینه‌محور و پیچیده است قائل است که فرآیند حذف فقر می‌بایست با مشارکت خود فقرا و توسط خود ایشان انجام گیرد. درواقع در این نگاه به جای برنامه‌ریزی بالا به پایین دولتی برای فقرا، با ایجاد و تشویق سازوکارهای مشارکت مردمی سعی می‌شود تا برنامه‌های محرومیت‌زدایی به زمین اجرا نزدیک شود و با مشارکت و همیاری آحاد جامعه هدف برنامه‌ریزی پایین به بالا برای رفع آن انجام گیرد. بر این اساس یارانه‌ها را می‌بایست در طیفی از کانال‌های توزیع متناسب با نوع و ساختار محرومیت اعطا کرد که برآمده از تعامل بین نهاد دولت و نهادهای مردمی محلی است.

مردمی‌سازی یارانه‌ها که ریشه در بند چهارم سیاست‌های اقتصاد مقاومتی دارد، رویکردی پایین به بالا و انعطاف‌پذیر در توزیع یارانه، متناسب با جنس محرومیت‌ها و مبتنی بر اندیشه‌های اسلامی است که قادر به حل فقر چندبعدی مبتنی بر رویکرد توانمندسازی محرومین با مشارکت خود فقرا و نهادهای مردمی است.

منبع: مصطفوی، علی (۱۴۰۳): چارچوب مفهومی نقش مردم در توزیع عادلانه یارانه. وحید ارشدی، رضا تنهایی مقدم گلشیخی (Eds): مجموعه مقالات مردمی‌سازی اقتصاد و اقتصاد مقاومتی. مشهد: پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی، pp. ۳۷۳-۴۰۳.



خصوصی سازی مردمی از منظر مکتب نهادگرایی

نوع مطالعه: مقاله علمی-پژوهشی | روش: تحلیلی-توصیفی | نویسندگان: احمد میدری
این مقاله در سال ۱۳۸۴ در فصلنامه اقتصاد و جامعه به چاپ رسیده است.

● چپستی اقتصاد مردمی

مقصود از خصوصی سازی مردمی، خصوصی سازی با کوپن سهام است. خصوصی سازی با این روش نظام مالی را به نظام مالی سهام محور تغییر شکل می دهد و مالکیت کوچک و پراکنده را جایگزین مالکیت دولتی می سازد. اقتصاددانان نهادگرا به ویژه الرمن و استیگلیتز از ابتدا با سیاست خصوصی سازی مردمی یا کوپن سهام مخالفت کردند. چهار دستاورد نهادگرایی برای خصوصی سازی عبارت است از:

۱. کارکرد هر بازار به شرایط حقوقی، اداری و قضایی بستگی دارد و در فقدان شرایط نهادی بازار نمی تواند نتایج مثبت داشته باشد. خصوصی سازی مردمی، بازار سهام را گسترش می دهد درحالی که بازار سهام برای کشورهای در حال توسعه تنش زا و خطرناک است؛
۲. خصوصی سازی مردمی، مالکیت شرکت های دولتی را به تعداد زیادی سهامدار منتقل می کند که فاقد توانایی و انگیزه نظارت هستند و این تغییر مالکیت موجب تفکیک مالکیت از مدیریت و حکمرانی بد شرکتی می شود؛
۳. خصوصی سازی می تواند منجر به کاهش رقابت شود، زیرا مدیران پس از خصوصی سازی انگیزه بیشتری برای جلوگیری از رقابت دارند.

● چرایی اقتصاد مردمی

دو نوع نظام مالی در کشورها وجود دارد: بانک محور و سهام محور. رشد سالم بازار سهام نیازمند حسابرسی و حسابداری، نظام حقوقی و قضایی دقیق، به هنگام و فراگیر و شفاف و امکان جذب شرکت های ورشکسته توسط

شرکت های رقیب است. اما پیش نیازهای فوق بسیار دیرپاب است. اما در نظام بانک محور تامین کنندگان منابع مالی براساس وضعیت کوتاه مدت و نوسانات بازار تصمیم به تغییر دارایی نمی گیرند. در اقتصادی که نیازمند تجدید ساختار گسترده است، انتخاب نظام مالی بانک محور بر نظام مالی سهام محور ارجح است.

واگذاری سهام به عموم مردم موجب می شود عوامل و انگیزه های جدیدی برای جلوگیری از رقابت در اقتصاد ایران ظاهر شود و انحصار دولتی به انحصار خصوصی در دولت های ضعیف تبدیل می شود.

● چگونگی اقتصاد مردمی

اروپای شرقی و شوروی سابق و به ویژه کشورهای که خصوصی سازی کوپنی را انتخاب کردند به غلط کلید بهبود وضعیت اقتصادی را تغییر مالکیت می دانستند و چینی ها به درستی کلید را رقابت بیشتر جست و جو کردند و گروه نخست با فاجعه روبه رو شدند و گروه دوم معجزه آفریدند. گروه نخست خصوصی سازی و گروه دوم رقابت را مقدم دانست. برای دستیابی به رقابت چینی ها موانع حضور بخش خصوصی را تقلیل دادند و با بهبود محیط کسب و کار بستر رشد بخش خصوصی را فراهم کردند، سهم دولت را در اقتصاد کاهش دادند و شکل تازه ای از اقتصاد غیردولتی را به نمایش گذاشتند.

منبع: میدری، احمد (۱۳۸۴): خصوصی سازی مردمی از منظر مکتب نهادگرایی. جامعه و اقتصاد. سال دوم شماره پنجم، pp. ۴۴-۵۸.



خصوصی سازی مردمی
به دنبال تغییر نظام
مالی به سهام محور و
جایگزینی مالکیت دولتی
با مالکیت کوچک از
طریق کوپن سهام است.



ارزیابی عملکرد دولت‌های پس از انقلاب در مردمی کردن اقتصاد

نوع مطالعه: از مجموعه مقالات کتاب گفتارهایی در اقتصاد مردم بنیاد | روش: توصیفی-تحلیلی | نویسندگان: احسان خاندوزی
این کتاب با عنوان ارزیابی عملکرد دولت‌های پس از انقلاب در مردم محور کردن اقتصاد در سال ۱۳۹۶ منتشر شده است.

● چستی اقتصاد مردمی

مردم بنیادی به معنای نگاه به مردم به عنوان تولیدکننده یا مصرف کننده و جلب رضایت آنان و حل مشکلات آنان یا حتی به معنای نزدیکی سلوک شخصیتی فرد به مردم نیست، بلکه اقتصاد مردمی به معنای آن است که در پنج رکن عملکردی در اقتصاد بتوان درجات بالاتری از ظرفیت‌های مردمی و اجتماعی و تشکلهای مردمی استفاده کرد:

- ◆ مسئله مالکیت در بنگاه‌ها و کالاهای عمومی و خصوصی؛
- ◆ مسئله مدیریت؛
- ◆ نقش آفرینی در عاملیت تغییرات در مسائل کلان و راهبردی و قانون گذاری؛
- ◆ اعمال نظارت موثر حول قانون گذاری، نقض قانون، تخلف و فساد.

● جرایب اقتصاد مردمی

مردم بنیادی است یک جهت گیری و شیوه حکمرانی کشور است و سیستم سیاسی و اقتصادی حول آن شکل می گیرد و تناسب بین حوزه اقتصاد و سایر حوزه‌ها در این زمینه باید برقرار باشد.

● چگونگی اقتصاد مردمی

بخش کشاورزی ۹۸ درصد مالکیت خصوصی است، اما در ارکان

مدیریت، عاملیت و مشارکت و نظارت موثر سهم مردم پایین است. مثلاً در قیمت خرید تضمینی گندم، تامین نهاده‌های تولید، توزیع محصولات و ... انحصارات گسترده است و سیاست‌های برای انعکاس اعتراضات کشاورزان در نظر گرفته نشده است. بنابراین سیاست‌های زیر موثر است: گسترش دایره مالکیت‌های مردمی، ایجاد مکانیسم‌های مدیریتی توسط شرکت‌ها برای اداره بخشی از امور اجرایی و نظارت بر کارمندان به تشکل کارگری، ایجاد فرصت عاملیت تغییرات با ایجاد صنف بیرون کارخانه، و اجازه ورود اصناف به موقعیت‌های سیاست گذاری، هیئت‌های تصمیم گیری در سطح استانی، کمیسیون مجلس، تاثیرگذاری تشکلهای کارگری بر تصمیم گیری، ایجاد سازوکاری برای موافقت یا مخالفت مردم با تصمیمات نمایندگان مجلس و هیئت دولت، ایجاد سازمان مردم نهاد برای گزارشگری و مبارزه با فساد و همراه با کلاس‌های آموزشی و عضوگیری، اطلاع رسانی و حمایت.

منبع: خاندوزی، سید احسان (۱۳۹۶): ارزیابی عملکرد دولت‌های پس از انقلاب در مردم محور کردن اقتصاد. گروه اقتصاد مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (ع) (Ed): گفتارهایی در اقتصاد مردم محور. جلد دوم. تهران: مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (ع)، pp. ۵۲-۷۲.

مردم بنیادی به معنای بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت‌های مردمی و تشکلهای اجتماعی در پنج رکن کلیدی اقتصاد است که علاوه بر آن برای ثبات و ارتقای نظام سیاسی و توانایی کشور در عبور از چالش‌های بزرگ ملی و جهانی حیاتی است. این رویکرد به معنای اتکا به مردم در ساختن و اداره کشور و نیز مدیریت اقتصاد است.



تأملاتی در ابعاد نظری و واقعی اقتصاد مردم محور

نوع مطالعه: از مجموعه مقالات کتاب گفتارهایی در اقتصاد مردم محور | روش: تحلیلی- توصیفی | نویسندگان: حمیدرضا مقصودی

● چیستی اقتصاد مردمی

اقتصاد مردمی یعنی اقتصادی که عامل یا محرک یا انگیزه فعالیت اقتصادی در آن پول نیست و هیچ الزامی برای اینکه انگیزه تمام فعالیت‌های اقتصادی پول باشد وجود ندارد، بلکه باید نظام انگیزشی به سمتی برود که پول ملاک و مبنا و معیار قرار نگیرد. اقتصاد اربعین و اقتصاد صلواتی در جنگ نمونه‌هایی از اقتصاد مردمی هستند و قسمتی از اقتصاد مردمی را می‌توان به کمک اقتصاد پولی و قسمتی دیگر هم با ادبیات اقتصاد غیرپولی مشخص کرد. به تعبیری دیگر اقتصاد مردمی اقتصادی است که با حذف پول و کمزنگ شدن آن از جامعه شکل می‌گیرد و در تقابل با نظام اقتصادی ربوی معنا پیدا می‌کند. در این اقتصاد ابتدای انگیزه‌ها بر پول تبدیل می‌شود به ابتدای انگیزه‌ها بر چیزهای دیگر نظیر رضایت خداوند، محبت و ... اقتصاد مردم بنیاد بر خلاف اقتصاد خصوصی لزوماً سودگرایانه و به دنبال منفعت نیست.

● چرایی اقتصاد مردمی

اشکال اقتصاد خصوصی در ایدئولوژی نئولیبرالیسم و سودگرایانه اوست. باید بین انگیزه‌های انسان تعادل ایجاد کرد. اقتصاد متعارف چند اصل موضوعه دارد: کارآیی، بهره‌وری و کمپایی که هر سه با تشدید پولی‌سازی روابط موجب از بین رفتن نظامات اجتماعی می‌شوند و یک اقتصاد بازاری را شکل می‌دهند. اقتصاد پولی با تعریف هزینه- فرصت سایر تعاملات انسانی، نظیر

رابطه انسان با همسر را تضعیف می‌کند و حرکت همه جانبه به سمت پول برای کسب درآمد را تشدید می‌کند که در آمد پاسخگوی آن نیست. اقتصاد مردمی در تقابل ذاتی با دو نوع سازمان اقتصادی دولتی و خصوصی قرار دارد. و اساساً زمینه طرح اقصا مردمی، نفی انحصارات و نفی تمرکز ثروت‌ها و امکانات و بهره‌مندی انسان‌ها در دست عده‌ای خاص و بروکرات‌های دولتی و صاحبان صنایع و بنگاه‌های عظیم و همزمان محروم‌ماندن بخش بزرگی از بدنه مردمی است. حاکمیت نظریه بازار باعث پیدایش برندگان معدود و بازندگان متعدد شده است.

● چگونگی اقتصاد مردمی

اقتصاد بخش سوم جلوه‌ای از اقتصاد مردمی است. برای ایجاد اقتصاد مردمی در خانواده باید خانواده استراتژی حداکثری سود را به استراتژی حداقل سازی هزینه تغییر دهد. حسابداری اقتصاد مردمی، کار زن در منزل و پختن غذا و مراقبت از پدر و مادر را تولید ناخالص داخلی در نظر می‌گیرد.

منبع: مقصودی، حمیدرضا (۱۳۹۶): تأملاتی در ابعاد نظری و واقعی اقتصاد مردم محور. گروه اقتصاد مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (ع) (Ed). گفتارهایی در اقتصاد مردم محور. جلد دوم. تهران: مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (ع)، pp. ۷۳-۹۳.



اقتصادی که در آن
عامل، محرک یا
انگیزه اصلی فعالیت
پولی نیست، اقتصاد
مردم محور است؛
اقتصادی که به دنبال
نظام انگیزشی است و
به سمتی حرکت می‌کند
که پول معیار و مبنا
اصلی قرار نگیرد و هدف
فراتر از کسب سود
مادی باشد.





کیفیت نقش آفرینی مردم در تامین اجتماعی: بررسی تطبیقی دو مکتب اقتصاد اسلامی و سرمایه‌داری

نوع مطالعه: مقاله علمی-پژوهشی | روش: توصیفی-تحلیلی | نویسندگان: مجتبی حسینی، جواد کجوری و حمیدرضا بهره من
این مقاله در سال ۱۳۹۹ در فصلنامه معرفت اقتصاد اسلامی به چاپ رسیده است.

● چستی اقتصاد مردمی

مقصود از اقتصاد مردم‌بنیاد این است که در پنج رکن عملکردی بتوان درجایت بالاتری از ظرفیت‌های اجتماعی و تشکلهای مردمی استفاده کرد:

- ◆ مسئله مالکیت در بنگاه‌های و کالاهای عمومی و خصوصی؛
- ◆ مسئله مدیریت در بنگاه‌ها و بخش عمومی؛
- ◆ عاملیت در تغییرات درباره مسائل کلان و راهبردها و قانون‌گذاری؛
- ◆ مشارکت در تصمیم‌گیری اقتصاد؛
- ◆ اعمال نظارت موثر.

● چرایی اقتصاد مردمی

مردم‌محوری در مکتب اقتصاد اسلامی یکی از مسلمات است به گونه‌ای که اساسا باید اقتصاد در عرصه‌های مختلف را به خود مردم سپرد.

● چگونگی اقتصاد مردمی

اسلام تامین اجتماعی را در سه سطح توانمندسازی فردی، خانوادگی و

منطقه‌ای، تکافل اجتماعی و تضامن دولتی دنبال می‌کند. نقش آفرینی مردم نسبت به دولت تقدم رتبی دارد. بر این اساس در شرایطی که مردم قادر به رفع فقر باشند، راهکارهای دولتی متمرکز توصیه نمی‌شود. رویکرد اسلامی در تامین اجتماعی به تقویت جایگاه مردم و تکافل اجتماعی در شش لایه خانواده، عشیره، همسایگان، دوستان (نظام برادری خاص)، نظام برادری عام، امت اسلامی و حکومت اسلامی رهنمود می‌کند. توانمندسازی فردی و منطقه‌ای با حرکت به سمت اقتصاد مردم‌بنیاد حاصل می‌شود. برای تقویت عملکرد لایه‌های حمایتی در تکافل اجتماعی هم باید سازوکار نظام اقتصادی به گونه‌ای رقم بخورد که سهم مردم در مالکیت‌ها و مدیریت امور اقتصادی، تصمیم‌سازی، سیاست‌گذاری و نظارت افزایش یابد.

منبع: حسینی، مجتبی؛ کجوری، جواد؛ بهره‌من، حمیدرضا (۱۳۹۹): کیفیت نقش آفرینی مردم در تامین اجتماعی بررسی تطبیقی دو مکتب اقتصاد اسلامی و اقتصاد سرمایه داری. معرفت اقتصاد اسلامی ۲۲ (۱۱)، pp. ۱۹۱-۲۰۸. ht.



در اقتصاد اسلامی، مشارکت بر پایه مردم برای مردم استوار است. مردم به عنوان عامل محوری، در فرآیند ارائه و دریافت خدمات تامین اجتماعی حضور مستقیم دارند و «نهادهای عمومی مردمی» مسئولیت اصلی این امر را بر عهده می‌گیرند. برخلاف نظام سرمایه‌داری که تنها قسمتی از فعالیت‌های تامین اجتماعی به مردم واگذار می‌شود، نقش آفرینی مردم در سطح کلان، راهبردی و ساختاری تعریف شده است.





نسبت سنجی مردمی سازی اقتصاد با خصوصی سازی در راستای تبیین بند یک سیاست های اقتصاد مقاومتی

نوع مطالعه: کتاب مجموعه مقالات همایش مردمی سازی اقتصاد و اقتصاد مقاومتی | روش: تحلیلی-توصیفی | نویسندگان: محمد قائد امینی و سیدحسین حسینی
این مقاله در سال ۱۴۰۳ در کتاب مجموعه مقالات همایش مردمی سازی اقتصاد و اقتصاد مقاومتی در انتشارات پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی به چاپ رسیده است.

● چیستی اقتصاد مردمی

خصوصی سازی الزاما در جهت مردمی شدن اقتصاد نیست. شاخصه های مردمی سازی اقتصاد را در سه حوزه لوازم، فرآیندها و نتایج می توان دسته بندی کرد. از مهمترین لوازم و زیرساخت های مردمی سازی اقتصاد توانمندسازی، هدایت و پشتیبانی از مردم و ایجاد محیط نهادی لازم و کاهش هزینه مشارکت در عرصه اقتصادی است. در زمینه فرآیند از مهمترین مولفه های حضور و مشارکت مردم در اقتصاد، تسلط مردم بر اقتصاد است که خود را در سه قلمروی مالکیت و توزیع منابع، مدیریت و تصمیم گیری و ذی نفع بودن آحاد جامعه به نمایش می گذارد. در زمینه نتایج افزایش توازن اجتماعی و رشد اقتصادی را می توان از مهمترین نتایج حضور و مشارکت مردم در اقتصاد برشمرد.

● چرایی اقتصاد مردمی

مردمی شدن پایه و اساس اقتصاد مقاومتی است و در سیاست های کلی و بند اول بر تحقق آن تاکید شده است. مبنای مردم و مردمی سازی در اقتصاد مردمی متفاوت با اقتصاد متعارف است. در اقتصاد مذکور نگاه به مردم نگاه ابزاری است و انسان در خدمت سرمایه و صاحب سرمایه است، اما

در اقتصاد مردمی، سرمایه در خدمت انسان در نظر گرفته شده و رشد انسان اصل قرار می گیرد. در مردمی شدن اقتصاد به مردم صرفا به مثابه یک عامل اقتصادی نگاه نمی شود، بلکه مردمی شدن به مثابه یک رویکرد و ویژگی برای اقتصاد است.

● چگونگی اقتصاد مردمی

به منظور سنجش مردمی سازی در نظام حکمرانی پولی می توان شاخص هایی را طراحی و محاسبه کرد. این شاخص ها لوازم (حق خلق) و فرآیند (مالکیت و مدیریت) و نتایج (توازن) را در نظام پولی مورد سنجش قرار می دهند که به ترتیب نسبت پایه پولی به نقدینگی، نسبت رشد اقتصادی به رشد نقدینگی، مجموع دارایی موهوم نظام بانکی به کل دارایی

نظام بانکی و نسبت بهره پرداختی به سپرده ها به حجم سپرده ها هستند. شاخص های فوق بیانگر آن هستند که ترتیبات جاری خلق پول سازگاری قابل قبولی با معیارهای مردمی سازی ندارند. به منظور مردمی سازی نظام پولی لازم است ایده نظام پولی یکپارچه دنبال شود. به منظور حذف قدرت خلق پول بانک های خصوصی لازم است انحصار خلق پول در بانک مرکزی منحصر شود و چارچوبی طراحی شود که در آن بدهی بانک ها پول نباشد. در این صورت بانک به نهاد واسطه مالی تبدیل خواهد شد که امکان خلق پول نخواهد داشت. در این چارچوب کنترل کامل حجم پول در اختیار بانک مرکزی است. در راستای مردمی سازی، بانک مرکزی می تواند پول جدید را به صورت یکسان میان همه افراد و به شکل افزایش موجودی حساب های آن ها نزد خود افزایش دهد تا مردم به هر نحو که می خواهند از آن بهره ببرند.

منبع: قائد امینی، محمد؛ حسینی، سیدحسین (۱۴۰۳): نسبت سنجی مردمی سازی اقتصاد با خصوصی سازی در راستای تبیین بند یک سیاست های اقتصاد مقاومتی. وحید ارشدی، رضا تنهایی مقدم گلشیخی (Eds): مجموعه مقالات مردمی سازی اقتصاد و اقتصاد مقاومتی. مشهد: پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی، pp. ۹۹-۱۳۸.



مردمی سازی اقتصاد لزوما
به معنای خصوصی سازی
نیست، بلکه شامل
توانمندسازی مردم در
اقتصاد است و در آن سرمایه
در خدمت رشد انسان قرار
می گیرد که منجر به توازن
اجتماعی و رشد اقتصادی
می شود.





نقش و جایگاه الگوی مصرف در مردمی‌سازی اقتصاد

نوع مطالعه: کتاب مجموعه مقالات همایش مردمی‌سازی اقتصاد و اقتصاد مقاومتی | روش: تحلیلی-توصیفی و انتقادی | نویسندگان: علی اکبر کریمی
این مقاله در سال ۱۴۰۳ در کتاب مجموعه مقالات همایش مردمی‌سازی اقتصاد و اقتصاد مقاومتی در انتشارات پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی به چاپ رسیده است.

● چگونگی اقتصاد مردمی

به‌منظور مردمی‌سازی مصرف در اقتصاد مردمی سیاست‌های سلبی (جلوگیری از مصارف نمایشی و مصرف‌گرایی و لوکس‌گرایی) و همچنین سیاست‌های ایجابی (تامین مصارف و نیازهای اولیه و رفع فقر مطلق، تامین زندگی کریمانه و رفع فقر نسبی و تامین مصارف از تولیدات داخلی) پیشنهاد می‌شود. سیاست‌هایی همچون اخذ مالیات یا وضع جریمه بر مصرف کالاهای لوکس، رفع فقر مطلق توسط دولت و با همکاری بخش سوم، اعطای یارانه با تسهیلات مالیاتی متناسب با شئون و نیازهای افراد و جریمه مصرف کالاهای خارجی دارای مشابه داخلی ازجمله سیاست‌های مدنظر در این زمینه است.

● چیستی اقتصاد مردمی

مردمی‌سازی به معنای افزایش مشارکت حداکثری مردم در تصمیم‌گیری‌های خرد و کلان اقتصاد است. الگوی مصرف یکی از ارکان تحقق مردمی‌سازی است. تکیه صرف به مکانیسم بازار و سپردن الگوی مصرف به آن و همچنین الگوی سوسیالیستی یا کمونیستی از مصرف نمی‌تواند منجر به یک اقتصاد سالم، پایدار و مردمی شود. مختصات الگوی مصرف مردمی عبارت است از: مردمی (مصرف حق همه مردم)، پایدار (مصرف پایدار و از منابع پایدار و بدون نوسان)، متوازن و بدون فاصله طبقاتی، تا حد امکان از تولیدات داخلی و از دسترنج خود مردم و نه بیگانگان، منطبق بر شئون افراد و عادلانه.

● چرایی اقتصاد مردمی

در بند اول سیاست‌های اقتصاد مقاومتی بر مردمی‌بودن اقتصاد تاکید شده است. با بررسی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و بیانات مقام معظم رهبری و مطالعات انجام‌شده روی الگوی مصرف اسلامی می‌توان به مختصات الگوی مصرف مردمی دست یافت.

منبع: کریمی، علی اکبر (۱۴۰۳): نقش و جایگاه الگوی مصرف در مردمی‌سازی اقتصاد. وحید ارشدی، رضا تنهایی مقدم گلشیخی. مجموعه مقالات مردمی‌سازی اقتصاد و اقتصاد مقاومتی. مشهد: پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی، pp. ۱۳۸-۱۶۴.



مردمی‌سازی اقتصاد
به معنای افزایش
مشارکت مردم در
تصمیم‌گیری‌های خرد
و کلان اقتصادی است.
الگوی مصرف مردمی
شامل خصوصیات نظیر
پایداری، توازن، استفاده
از تولیدات داخلی و
انطباق با شئون افراد
است.





تامین اجتماعی در اقتصاد مردم سالار

نوع مطالعه: مقاله علمی-پژوهشی | روش: تحلیلی-توصیفی | نویسندگان: علی رشیدی
این مقاله در سال ۱۳۸۱ در فصلنامه رفاه اجتماعی به چاپ رسیده است.

نیز باید مردم سالار باشد.

چگونگی اقتصاد مردمی

پیداشدن مفهوم تامین اجتماعی القاکننده این فکر است که اقتصاد خصوصی حاکم بر جوامع صنعتی به دلیل نقایص ساختاری مثل توزیع نادرست ثروت، وجود انحصارات یا دخالت وسیع دولت در امور اقتصادی مانع از آن بوده است که همه مردم جامعه سهم و حق مناسب خود را از تولید به دست آورند. امروزه شاخص‌های تامین اجتماعی-رفاهی و کیفیت زندگی ملاک موفقیت دولت‌های مردم سالار و نشان دهنده لیاقت و شایستگی آن‌ها در ادامه کار برای مردم است. ابداع تور ایمنی مرکب از انواع برنامه‌های ایمنی و حفاظت شهروندان در هر کشور محصول نیازهای انسان قرن بیستم مخصوصا پس از بحران اقتصادی دهه ۱۹۳۰ است. هر برنامه برای تامین نیاز گروه خاصی از افراد تدوین شده است. برخی از این اقدامات عبارت است از: ایجاد نظام بازنشستگی، معلولیت، بیمه خدمات بیمارستانی، تامین کالری مورد نیاز انسان، تامین غذا در مدارس و... در اقتصاد مردم سالار بین مصارف مختلف، خانه سازی و صاحبخانه شدن در تخصیص درآمد حاصل از کار یا درآمدهای شخصی نقش عمده‌ای دارد و از اولین و مهمترین انگیزه‌های پس انداز و خرج نکردن درآمد به شمار می‌رود.

چیستی اقتصاد مردمی

اقتصاد مردم سالار به این معنی نیست که حکومت فعالیت اقتصادی نداشته باشد یا در اقتصاد دخالت نکند، بلکه حد دخالت و حوزه دخالت دولت را خود مردم تعیین می‌کنند. طرز تفکر و تصمیم مردم درباره امور اقتصادی خود پایه و ملاک نوع تخصیص منابع، کوشش در راه استفاده بهینه از منابع، طرز تقسیم حاصل تولید (مزد و حقوق و...) و نیز مصرف، پس انداز، سرمایه گذاری و... است؛ که ممکن است قسمتی از امور به وسیله دولت یا بخش عمومی به نیابت از طرف مردم انجام شود. اقتصاد مردم سالار رقابتی اجازه می‌دهد تمام مردم جامعه به قدر توان و امکانات خود در تولید کالا و خدمت مشارکت داشته باشند و درباره نحوه مصرف حاصل زحمت سالانه خود که به صورت تولید ناخالص داخلی سنجیده می‌شود، تصمیم بگیرند. در یک اقتصاد مردم سالار، هدف این است که مردم عمر طولانی‌تر و زندگی سالم‌تر داشته باشند و در این راه می‌کوشند تا از مشکلات سلامت با اقدامات مناسب، پیشگیری و آن‌ها را حل کنند. معنای اقتصاد مردم سالار این نیست که همه افراد جامعه می‌توانند از مزایای رشد و توسعه اقتصادی یکسانی بهره‌مند شوند.

چرایی اقتصاد مردمی

تجربه سه هزار ساله بشر با گذر از دوران حکومت‌های فردی و ظالمانه دیکتاتورها، حکومت‌های امپراطوری-سلطنتی و... امروز او را به این نتیجه رسانده است که تنها فرم حکومت قابل قبول، فرمی است که فرد انسانی با رضا و رغبت در ایجاد و اداره آن دخیل و سهیم باشند و هزینه‌های آن را بپردازند. در یک حکومت مردم سالار لزوما اقتصاد حاکم

منبع: رشیدی، علی (۱۳۸۱): تامین اجتماعی در اقتصاد مردم سالار. رفاه اجتماعی ۵ (۲)، ۴۷-۷۰.



اقتصاد مردم سالار اقتصادی است که در آن مردم تعیین کننده حد و حوزه دخالت دولت در اقتصاد هستند و در تصمیم‌گیری‌ها و تخصیص منابع نقش اساسی دارند. این امر نشان دهنده موفقیت دولت‌های مردم سالار در تامین نیازهای شهروندان و ایجاد زندگی سالم‌تر است.



درآمدی بر منشور حکمرانی مردمی در جهش تولید

نوع مطالعه: گزارش پژوهشی | روش: کتابخانه‌ای و تحلیلی-توصیفی | نویسندگان: حیدر نجفی، حسین رجب‌پور و سعید شجاعی
این گزارش در سال ۱۴۰۳ در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به چاپ رسیده است.

● چیستی اقتصاد مردمی

مقصود از حکمرانی مردمی، توجه به آگاهی، اراده و منابع مردم در حکمرانی و تسهیل شکوفاسازی ظرفیت و توان‌های متنوع مردم و نهادهای مردمی از طریق مشارکت آن‌ها در اداره و پیشرفت کشور است. حکمرانی مردمی بدین معناست که برخی از قدرت به مردم واگذار شود و مردم قدرت تصمیم‌گیری و اراده داشته باشند. هرچه دامنه انتفاع از یک سیاست، گستره بیشتری از افراد جامعه را شامل شود، آن سیاست مردمی‌تر خواهد بود. این موضوع خود را بیش از همه در تعارض منافع گروه‌های خاص با منافع عموم نشان می‌دهد و مردمی‌بودن در این تعارضات به معنای ترجیح منافع عموم بر منافع خواص است.

● چرایی اقتصاد مردمی

قرآن کریم هدف از ارسال رسل را اقامه قسط و عدالت از طریق مشارکت اجتماعی مردم بیان می‌کند. امیر مومنان علیه‌السلام نیز از مردم به عنوان ستون دین یاد می‌کند و بیانات رهبری و حضرت امام (ره) وجه تمایز جمهوری اسلامی با سایر نظامات رایج دنیا را توجه واقعی به نظر مردم و به میدان آوردن مردم در عرصه حکمرانی و کشورداری می‌داند. این نظریه با عنوان نظریه مردم‌سالاری دینی شناخته می‌شود. در قانون اساسی نیز بر اهمیت مشارکت مردم و حضور مردم تأکید می‌شود. سیره عملی امام خمینی (ره) در شکل‌گیری نظام سیاسی، امنیت، کمیته‌های انقلاب اسلامی، تأسیس جهادسازندگی، بسیج مستضعفین، نهضت ملی مسکن و تأسیس نهادهای مردم‌نهاد به عنوان اقداماتی در راستای مردمی‌کردن تلقی می‌شود. افزایش اشتغال افرادی که مستقیماً درگیر فعالیت تولیدی هستند، موجب تقویت تولید رضایت آن‌ها و تقویت مشارکت عموم مردم خواهد شد.

● چگونگی اقتصاد مردمی

ایجاد زمینه‌های جهش تولید مبتنی بر مشارکت مردم نیازمند طرح ریزی الگویی از حکمرانی است که مشارکت همه ذی‌نفعان از جمله نهادهای دولتی و حاکمیتی، بخش خصوصی و گروه‌های مردمی را شامل شود. آنچه در ادبیات علمی این حوزه طرح می‌شود در قالب مفاهیمی همچون حکمرانی مشارکتی، حکمرانی همکارانه، حکمرانی یکپارچه و حکمرانی هیبریدی قابل تبیین است. وجه اکمل تعاملات بین حکومت و دولت با جامعه (مردم) و

**حکمرانی مردمی؛ به
واگذاری بخشی از
قدرت تصمیم‌گیری
مردم و ترجیح منافع
عمومی بر منافع خاص
می‌پردازد و با در نظر
گرفتن ریشه‌های قرآنی
و نمونه‌های عملی از
حکمرانی مردمی در
سیره امام خمینی (ره)
و نظریه مردم‌سالاری
دینی را به عنوان دلایل
اهمیت آن مطرح می‌کند.**

بخش خصوصی (بازار) در قالب مفهوم حکمرانی هیبریدی طرح می‌شود که علاوه بر یکپارچگی بر مفهوم همکاری، مشارکت و هم‌آفرینی و هم‌مدیریتی بین این بخش‌ها تأکید دارد. به‌منظور وصول به حکمرانی مردمی در جهش تولید راهبردهای زیر باید دنبال شود:

عزم و اراده جمعی حکمرانان برای واسپاری امور به مردم، تقویت وحدت و وفاق ملی، عدالت‌گرایی در تخصیص منابع و مقابله با ساختارهای تبعیض، فساد و ویژه‌خواری در عرصه تولید، تقویت امیدآفرینی و اعتماد بین شهروندان و حاکمیت، تقویت نظام پاسخگویی دولت و نهادهای حاکمیتی، استفاده از ظرفیت‌های برنامه هفتم (مشارکت مردم در صنایع بالادستی نفت و گاز، واگذاری بنگاه‌های دولتی به مردم، واگذاری شرکت‌های تابعه صندوق‌های بازنشستگی به مردم یا واگذاری مدیریت، فعال‌سازی ظرفیت‌های مردمی و... در حوزه‌های گوناگون، تسهیل صدور مجوزها کسب‌وکار و...)، اصلاح نظام برنامه‌ریزی کشور در حوزه تولید معطوف به آمایش سرزمینی، ایجاد استراتژی ثبات اقتصادی، تدوین استراتژی و نقشه راه تولیدی و صنعتی مردم‌پایه با گذار از تولیدات منبع محور به تولیدات ساخت‌محور (کارخانه‌ای)، تنقیح قوانین متکثر و متداخل در حوزه تولید، تحقق بودجه‌ریزی مشارکتی، تقویت قدرت و اختیار ساختارهای حکمرانی محلی در تولید، توجه به نظام مشارکت عمومی-خصوصی، فعال‌شدن نهادهای انقلابی و وقفی نظیر بنیاد مستضعفان، ستاد اجرایی و... به‌منظور فاصله‌گرفتن از رویکرد سازمان اقتصادی سودمحور و حرکت به سمت الگوهای اقتصادی مردمی مبتنی بر توانمندسازی و نقش‌آفرینی فعال مستضعفان در تولید اقتصادی در کنار مشارکت‌گرفتن در کار، مالکیت و بهره‌مندی اقشار کارگر به عنوان نیروی اجتماعی اصلی تولید در کشور و احیای سنت وقف و تقویت ایده وقف مشارکتی و مولد، تسهیل رویه‌های کسب‌وکار، تقویت تعاونی‌ها به‌منظور توانمندسازی اقشار کم‌درآمد و محرومین جامعه، تقویت تشکلهای مردمی و اجتماعی از جمله خیریه‌ها، تشکلهای کارگری، هیئت‌های مذهبی، تشکیلات دانشجویی، بسیج، گروه‌های جهادی و... به‌منظور مشارکت در جهش تولید و حمایت از بنگاه‌های کوچک و خانواده‌محور.

منبع: نجفی‌رستاقی، حیدر؛ رجب‌پور، حسین؛ شجاعی، سعید (۱۴۰۳). درآمدی بر «منشور حکمرانی مردمی در جهش تولید». گزارش‌های کارشناسی (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی) ۱۶۵ (۳۲)، pp. ۱۴۲۶-۱۴۹۰.



ارزیابی تاثیر مردمی سازی و فساد بر تاب آوری اقتصادی

نوع مطالعه: کتاب مجموعه مقالات همایش مردمی سازی اقتصاد و اقتصاد مقاومتی | روش: تحلیل اقتصادسنجی | نویسندگان: محمدحسین کریم
این مقاله در سال ۱۴۰۳ در کتاب مجموعه مقالات همایش مردمی سازی اقتصاد و اقتصاد مقاومتی در انتشارات پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی به چاپ رسیده است.

چپستی اقتصاد مردمی

بسیاری از کشورهای موفق برای تحریک موثر انگیزه مردم در راستای گزارش دهی تخلف، بستری مناسب از رهگذر پیش بینی حمایت و تشویق در نظام تقنینی خود سازمان بندی کرده اند. همچنین کاهش تصدی و دخالت دولت و حرکت به سمت اقتصاد آزاد و سالم که مستلزم افزایش نقش بخش خصوصی در اقتصاد است، وجود ساختارهای سیاسی رقابتی برآمده از مردم، پیشگیری اجتماعی از فساد از طریق آزادسازی مطبوعات و آگاه سازی مردم و ایجاد جنبش اجتماعی علیه فساد از جمله مصادیق مردمی سازی در جهت مبارزه با فساد است. برای بررسی شاخص مردمی سازی می توان از دو متغیر ارزش سهام دولتی واگذار شده به بخش خصوصی و نسبت ارزش افزوده کارگاه های کوچک و متوسط به ارزش افزوده کل کارگاه ها استفاده کرد.

چرایی اقتصاد مردمی

برخی مطالعات به دلیل نگاه سطحی به عبارت مردمی سازی، نقش مردم در هدایت اقتصاد را به مواردی از جمله مدیریت مصرف، قناعت و ساده زیستی، تولید ثروت حلال و ترجیح مصرف کالای داخلی به کالای خارجی محدود دانسته اند، اما مطابق ادبیات مبارزه با فساد و با استناد به اصول اقتصاد مقاومتی، بهره جستن از ظرفیت بالقوه جمع سپاری و نهادهای غیرمتمرکز و مردمی به منظور نظارت بر نهادهای مختلف دولتی در کنار سازمان ها و

نهادهای نظارتی متمرکز در کاهش فساد بسیار حائز اهمیت است.

چگونگی اقتصاد مردمی

مهمترین و اصلی ترین گام در جهت مردمی سازی اقتصاد و مبارزه با فساد عبارتند از: اصلاح ساختار اقتصادی کشور و حرکت به سمت یک اقتصاد سالم و رقابتی به جای یک اقتصاد انحصاری، اصلاح نحوه بودجه ریزی و ایجاد شفافیت کامل در مورد بودجه (درآمدها و هزینه کردها) نهادها و شرکت های مختلف؛ حرکت به سمت ایجاد یک نظام مالیاتی کارآمد و شفاف، شفاف سازی درآمدها و هزینه کردهای حاصل از نفت به تفکیک جزئیات برای آحاد مردم، استفاده از درآمدهای نفتی در جهت حمایت تمامی کسب و کارها و در جهت ایجاد توسعه اقتصادی و نه برای حمایت از انحصارگران فعال در اقتصاد یا کسب و کارهای برخوردار از رانت قدرت، شفاف سازی وضعیت صندوق توسعه ملی و هزینه کرد درآمدهای آن برای توسعه به عنوان یک ثروت بین نسلی.

منبع: کریم، محمد حسین (۱۴۰۳): ارزیابی تاثیر مردمی سازی و فساد بر تاب آوری اقتصادی. وحید ارشدی، رضا تنهایی مقدم گلشیخی (Eds): مجموعه مقالات مردمی سازی اقتصاد و اقتصاد مقاومتی. مشهد: پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی، ۱۹۴-۲۲۵ pp.



مردمی سازی اقتصاد
همان کاهش دخالت
دولت، افزایش نقش
بخش خصوصی، وجود
ساختارهای سیاسی
رقابتی، و پیشگیری
اجتماعی از فساد با
در نظر گرفتن ادبیات
مبارزه با فساد و
اقتصاد مقاومتی و
از طریق آگاهی بخشی
و جنبش های مردمی
است.



امام، مردم، اقتصاد

نوع مطالعه: کتاب | روش: تحلیل مضمون | نویسندگان: سیدحسین حسینی و مجتبی حسینی
این کتاب در سال ۱۳۹۵ منتشر شده است.

● چستی اقتصاد مردمی

برای تعریف اقتصاد مردمی ابتدا باید مقصود از مردم را شناخت. از نظر امام (ره) در تعریف مردم محدوده جغرافیایی، شان و رتبه و مقام، محدوده سنی، جنسیت، میزان توانایی، طبقه و محدوده تاریخی و زمانی و اشخاص حقیقی یا حقوقی مطرح نیست و بیش از ۹۰ درصد افراد جزء مردم محسوب می‌شوند. اما از نظر ایشان حرکت‌کنندگان برخلاف مصالح و منافع ملت جزء مردم نیستند. مردم از نظر ایشان حق برخورداری از تمامی حقوق انسانی و اجتماعی را دارند و سرمشقی برای ملل زیرسلطه هستند و اساس مملکت، ملت و فکر ملت هستند. بنابراین وقتی صحبت از مشارکت مردمی به میان می‌آید چند اصل برای آن مطرح است: اول اینکه مشارکت تشکیکی و طیفی است، ثانیاً در مشارکت هر کس در حد توان خود حضور می‌یابد، ثالثاً مشارکت تدریجی است، رابعاً مشارکت فعالانه است و خامساً اینکه مشارکت آگاهانه و داوطلبانه است.

آنچه در اقتصاد مردم محور اهمیت دارد حاکمیت انگیزه‌های معنوی و ارزش‌های انسانی است و اینکه انسان‌ها را صرفاً با انگیزه‌های مادی به مشارکت در نمی‌آورد. در اقتصاد مردم محور، هر یک از مردم در هر جایی که هست امور محوله به خود را به خوبی انجام می‌دهد و هر نهادی در راستای وظیفه‌ای که به خاطر آن به وجود آمده فعالیت می‌کند. فعالیت و حضور مردم در عرصه اقتصادی به صورت آگاهانه، داوطلبانه، منظم و با تشکیلات است. در اقتصاد مردم محور براساس روحیه تعاون و همیاری، مشارکت مردم در راستای تامین مصالح جمعی و برآورده کردن احتیاجات ملت مسلمان انجام می‌گیرد. در اقتصاد مردم محور منظور از مشارکت مردم، مشارکت آحاد و همگانی همه طبقات مردم است و تنها اقشار مستضعف و توده‌های پایین جامعه - حتی نسبت به سرمایه‌دارها - در کمک‌گرفتن و مشارکت دادن در اولویت هستند، چراکه همواره به عنوان پیش‌قدمان مبارزه حضور داشتند. در حد مطلوب اقتصاد مردم محور، مردم کشور متخصصانی متعهد هستند.

در اقتصاد مردم محور، دولتی مردمی وجود دارد که خدمت‌گزار است نه حاکم بر مردم و با مردم در تمامی عرصه‌های اقتصادی همکاری می‌کند و بیشتر به پشتیبانی هدایت و نظارت بر مشارکت می‌پردازد و خود کمتر به طور مستقیم در عرصه‌های اقتصادی مشارکت می‌جوید و خدمت به مردم محروم و مستضعف مهمترین اولویت و وظیفه‌ای است که ایشان بر دوش دولت می‌نهد. عرصه‌های حضور در اقتصاد

مردم محور عبارت است از: حوزه کشاورزی، حوزه صنعت، حوزه تجارت و سایر حوزه‌ها. در اقتصاد مردم محور نبض اقتصاد در دست مردم است و تمامی راه‌های صدور، استخراج و توزیع و عرضه و تقاضا و... به مردم منتهی می‌شود.

● چرایی اقتصاد مردمی

اهمیت مشارکت مردم از منظر امام (ره) از چند جهت حائز اهمیت است:

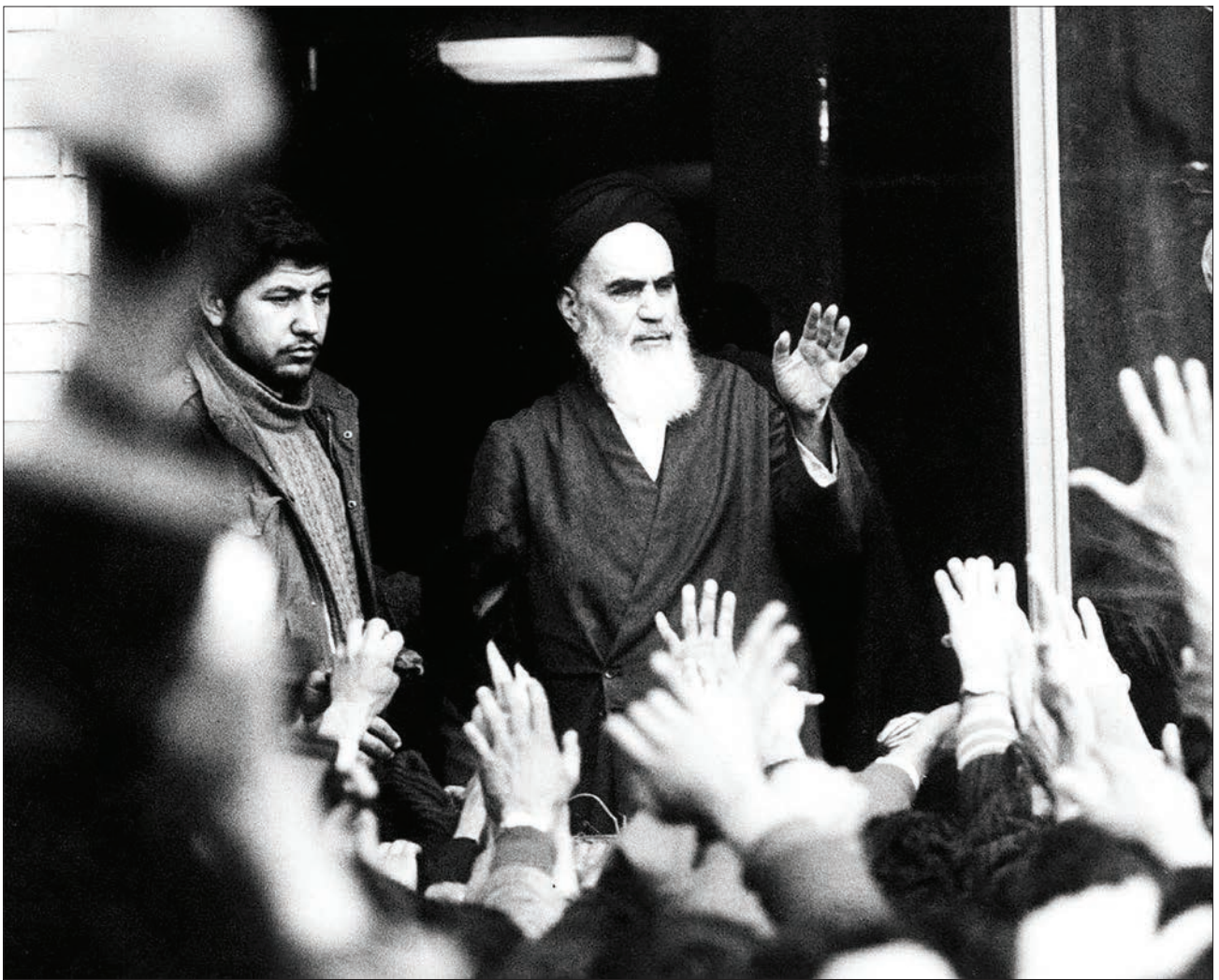
مشارکت؛ حق و وظیفه مردم است و اگر نیروی مردمی بیدار شود به نیروی عظیمی تبدیل می‌شود که شکست در آن معنا نخواهد داشت. از سوی دیگر اگر ملت در انجام اموری به صورت دسته جمعی مشارکت کند، قدرت خداوند نیز به یاری آن جمعیت می‌آید. اگر ملت با تمام اقشار چیزی را بخواهد، هیچ دولت و قدرتی نمی‌تواند خلاف آن را بر ملت تحمیل کند. مشارکت مردم موجب حاکم شدن آرامش و برقرارشدن حکومت، افزایش قدرت دولت و تبدیل من به ما خواهد شد. مشارکت مردمی موجب بالابردن دقت و قدرت شناسایی مردم می‌شود و در نتیجه فساد را کاهش می‌دهد. از سوی دیگر مشارکت مردمی برگرفته از سیره معصومین (علیهم‌السلام) و قرآن کریم است. جهت حرکت اقتصاد مردم محور و اهداف آن عبارت است از: سازندگی، استقلال و آزادی اقتصادی و پیشرفت و عدالت اقتصادی از نتایج اقتصاد مردم محور است.

● چگونگی اقتصاد مردمی

فرآیند مشارکت مردمی در اقتصاد از نظر حضرت امام (ره) در سه گام صورت می‌گیرد:

- ◆ بیداری (نسبت به جهان اطراف و ظرفیت‌ها)؛
- ◆ همت، عزم و اراده در راه رسیدن به اهداف؛
- ◆ و در نهایت قیام (به معنای حرکتی جمعی، فعال و داوطلبانه که نمود عینی بیرونی پیدا می‌کند).

در این بین علل و عوامل موثر بر مشارکت مردم را می‌توان در قالب موارد زیر دسته‌بندی کرد: اسلام و ایمان، اجتماعات دینی، مسجد، جریان رسانه‌ای مخصوصاً رسانه ملی، گروه‌های اثرگذار به ویژه روحانیت، بازار و دانشگاه، محل‌های تحصیل علم، حسن تعاون و امر به معروف و نهی از منکر در جامعه، رابطه دولت و مردم، فرآهم آمدن شرایط و



کرد. بر اساس آنچه گفته شد می‌توان معیارهایی را برای حرکت به سمت اقتصاد مردم‌محور و تحقق آن برشمرد که عبارت است از: ایجاد آگاهی و بیداری اقتصادی (نسبت به روابط و اوضاع اقتصادی حاکم بر جامعه و جهان و ظرفیت‌های اقتصادی هر منطقه) و در اختیار قرار دادن اطلاعات حوزه‌های و عرصه‌های اقتصادی به صورت صحیح و شفاف به زبان خود مردم توسط مراجع ایجاد بیداری و آگاهی نظیر حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها و رسانه‌ها و با هدف ایجاد اعتماد، امید و خودباوری و روحیه «ما می‌توانیم» در بین مردم است.

منبع: حسنی، مجتبی؛ حسینی، سیدحسین (۱۳۹۵): امام، مردم، اقتصاد. تبیین الگو و معیارهای اقتصاد مردم‌محور مبتنی بر اندیشه امام خمینی (ره). تهران: مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (ع).

امکانات و مشارکت اقشار مختلف مردم. حوزه‌هایی که مردم می‌توانند مشارکت کنند عبارت است از: حفظ مکتب و خدمت به اسلام و مسلمین، تامین امنیت و آرامش کشور، سازندگی و اصلاح امور کشور، امور فرهنگی (تهذیب نفس)، امور اقتصادی، خنثی‌سازی توطئه‌ها و نقشه‌های شیطانی، نظارت بر امور، امور جهانی و مبارزه با ظلم. در این بین دشمنی که هدفش نابودی مکتب اسلام است، اقداماتی در جهت جلوگیری از مشارکت مردمی در حوزه‌های مختلفی انجام می‌دهد از جمله اینکه بر موجبات مشارکت مردمی از جمله اسلام و وحدت کلمه هجوم می‌آورد و بین دانشگاه و ملت و روحانیت اختلاف ایجاد می‌کند. از سوی دیگر بر علل و عوامل موثر بر مشارکت مردمی از جمله مسجد و اجتماعات دینی و روحانیت هجوم می‌آورد و در نهایت در فرآیند مشارکت مردمی یعنی بیداری، عزم و امیدواری مردم اختلال ایجاد می‌کند. و بایستی با اقدامات دشمن مقابله



با هم می‌شود، مشارکت مردم راهگشای توسعه پایدار

نوع مطالعه: کتاب | روش: تحلیلی-توصیفی | نویسندگان: محمدرضا رضائی‌نژاد
این کتاب در سال ۱۴۰۲ منتشر شده است.

● چستی اقتصاد مردمی

مقصود از مشارکت مردم در این کتاب، اقتصاد تعاونی است. از نظر این کتاب تعاونی مجموعه‌ای مستقل و خودمختار متشکل از اعضا داوطلب جهت رسیدن به آرمان‌ها و اهداف مشترک اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی با مالکیت مشترک و کنترل دموکراتیک بنگاه اقتصادی است. در شرکت‌های تعاونی این امکان وجود دارد که اعضای سرمایه و سهم یکسانی از سود نداشته باشند، اما با این وجود هر عضو، بدون توجه به درصد سهامش یک حق رای دارد و نسبت سهام به رای وجود نخواهد داشت، بنابراین تعاونی‌ها متکی به اعضای هستند نه سرمایه.

● چرایی اقتصاد مردمی

بخش تعاونی تا حد ممکن جنبه‌های نامطلوب دو بخش دولتی و خصوصی را تا حد ممکن کاهش می‌دهد و از سودجویی فردی جهت انحصار و مالکیت و تفکر دولتی مبارزه می‌کند. تعاونی‌ها محل مناسبی برای انباشت و جمعیت سرمایه است و امکان سودبردن از سرمایه را برای اعضای تعاونی فراهم می‌کند. با توسعه فعالیت تعاونی سطح زندگی و رفاه اعضا و مردم بهتر و فعالیتهای بخش خصوصی ارتقا می‌یابد. به علاوه توسعه فرهنگ تعاونی اساس مردم‌سالاری، مشارکت مردمی و عدالت اقتصادی را استحکام می‌بخشد و کلیه اقدامات اجتماعی و اقتصادی را در جهت منافع افرادی که با هوش و درایت خود طرز تفکر جمعی، کار گروهی و احترام به افکار و عقاید یکدیگر را پذیرفته‌اند، تعمیم می‌دهد. بخش تعاونی برای گسترش سرمایه‌گذاری و



اقتصاد تعاونی، راهکاری برای مشارکت مردمی و توسعه پایدار است. این بخش بر اهمیت حضور پررنگ‌تر تعاونی‌ها در گسترش سرمایه‌گذاری و جذب سرمایه‌های خرد مردم تأکید دارد. اعضا داوطلب برای اهداف مشترک اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی با مالکیت مشترک و کنترل دموکراتیک گرد هم می‌آیند.

● چگونگی اقتصاد مردمی

جذب سرمایه‌های خرد مردم، بایستی حضور پررنگ‌تری داشته باشند. مهمترین نیاز به شرکت‌های تعاونی تأمین منابع مالی آن‌ها است و مدل تأمین منابع مالی از اهمیت خاصی برخوردار است. کم‌ریسک بودن سرمایه‌گذاری در بخش تعاونی نسبت به بورس و پرداخت ارزش افزوده بالاتر نسبت به سود بانک‌ها ازجمله جذابیت‌های این بخش است.

مدلی که برای تأمین سرمایه شرکت تعاونی برای اجرای پروژه‌های زیرساختی ارائه شده است در این کتاب بر این اساس مدل تعاونی‌های سهامی-سرمایه‌گذار است. در این نوع تعاونی‌ها سهامداران به دو گروه عضو و غیرعضو تعریف می‌شوند که سهامداران عضو با سرمایه حداقل ۵۱ و حق رای حداقل ۶۵ درصد مدیریت و مسئولیت تعاونی برعهده دارند و سهامداران غیرعضو به عنوان سرمایه‌گذار در گروه‌هایی با حقوق مختلف از جنبه ارزش افزوده، نرخ بازگشت سرمایه، میزان ریسک، میزان بازخرید سهام و نحوه انتقال سهام برای دارندة آن قابل تعریف است. این نوع تعاونی جهت تأمین سرمایه مفید است. یکی از پارامترهای تأثیرگذار بر سرمایه‌گذاری تعاونی قرض‌الحسنه پرداختی از سهامداران به تعاونی و عودت ماهیانه آن و تضمین ارزش افزوده سهام است.

منبع: رضائی‌نژاد، محمدرضا (۱۴۰۲): با هم می‌شود. مشارکت مردمی، راهگشای توسعه پایدار. تهران: فراهنر.





دلالت‌های مکتب اردولیرالیسم آلمانی برای مردمی‌سازی اقتصاد

نوع مطالعه: کتاب مجموعه مقالات همایش مردمی‌سازی اقتصاد و اقتصاد مقاومتی | روش: تحلیلی-توصیفی | نویسندگان: سعید سیدحسین زاده و سیدعقیل حسینی
این مقاله در سال ۱۴۰۳ در کتاب مجموعه مقالات همایش مردمی‌سازی اقتصاد و اقتصاد مقاومتی در انتشارات پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی به چاپ رسیده است.

چستی اقتصاد مردمی

اقتصاد مردمی اقتصادی است که در آن مردم محور و رکن اصلی در اقتصادند، مردم می‌خواهند، انتخاب می‌کنند، تولید می‌کنند، مبادله می‌کنند، مصرف می‌کنند، مالک اموال و سرمایه‌اند و مدیریت، کارآفرینی و خلاقیت در اقتصاد با آن‌هاست. اقتصاد مردمی اقتصادی است که منشأ آن اراده مردم و مقصد آن نیز برقراری توازن میان نیازهای واقعی و امکانات آن‌هاست و تمامی فرآیندها و فعالیت‌های اقتصادی با مشارکت مردم روی می‌دهد؛ بنابراین قراردادن اقتصاد مردمی در کنار بخش خصوصی، بخش دولتی یا بخش تعاونی امر درستی نیست و اگرچه مشابهت‌هایی با هر کدام از آن‌ها می‌تواند داشته باشد. موضوع اصلی در مکتب اقتصاد مردمی آن است که چگونه می‌توان مردم را در همه امور دخالت داد و اقتصادی مردم‌سالار را که به عدالت نزدیک است سامان داد. یکی از تعاریف مردمی‌سازی اقتصاد، آزادی اقتصادی است یعنی فراهم‌سازی شرایطی که در آن فرد آزاد باشد که مجموعه فعالیت‌های اقتصادی خود را در بازار بدون ممانعت موانع درونی و بیرونی به انجام برساند.

چرایی اقتصاد مردمی

از منظر مقام معظم رهبری اقتصاد مقاومتی، مردم‌بنیاد است یعنی با اراده مردم، سرمایه مردم و حضور مردم تحقق پیدا می‌کند. اقتصاد مردمی به معنای کنارکشیدن دولت از وظایف خود نیست، بلکه در اقتصاد مردمی دولت وظایف خود را در چهارچوب مشخص و در جهت تسهیل روند مردمی‌سازی اقتصاد و نظارت و هدایت آن ایفا می‌کند. برخلاف تصور رایج مردمی‌سازی اقتصاد صرفاً به صورت خودجوش و با تکیه بر قاعده «لسه‌فر» و خودتنظیمی بازار محقق نمی‌شود، بلکه دولت در مردمی‌سازی اقتصاد نقشی اساسی ایفا می‌کند.

چگونگی اقتصاد مردمی

بایستی عنصر محوری در دیدگاه اردوی لیبرال‌ها نسبت به مردمی‌سازی اقتصاد را آزادی اقتصادی انسان‌ها دانست که در آن تعارضی بین آزادی / نظم و عدالت / کارایی وجود ندارد و افراد در عین حفظ کرامت انسانی و رعایت انصاف و عدالت بایستی بتوانند آزادانه به انواع تعاملات اقتصادی



اراده، انتخاب و مشارکت کامل در تمامی فرآیندهای اقتصادی نشان‌دهنده رکن اصلی و محوری مردم در اقتصاد است. به گونه‌ای که خلاقیت اقتصادی بر مبنای اراده و مشارکت کامل مردم استوار است و به گفته رهبر معظم انقلاب، مردم‌بنیاد و رکن اساسی اقتصاد مقاومتی است و دولت به عنوان تسهیل‌گر عمل می‌کند.

در بازار بپردازند.

برای تحقق این عنصر محوری شرایطی لازم است که در دودسته قرار می‌گیرند: شرایط علی و شرایط زمینه‌ای. شرایط علی عبارتند از: ایجاد چهارچوب و قواعد بازی در بازار توسط دولت با سیاست‌های تقویمگر (قوامبخش) و سیاستهای تنظیمگر، دخالت دولت در چهارچوب‌ها و نه فرآیندهای بازار، ایجاد چهارچوب‌های حقوقی و قانونی برای جلوگیری از تسخیر دولت توسط گروه‌های ذی‌نفع و رانت‌جو، ایجاد شرایط امکان ساختاری برای تولید فضایل و ارزش‌های اخلاقی-انسانی فرااقتصادی در بازار با اجرای سیاستهای اجتماعی توسط دولت و درنهایت حدگذاری برای توسعه فناوری با معیار کرامت انسانی و اندازه نیاز انسانی.

شرایط زمینه‌ای موجب ارتقای نقش کیفی مردم در بازار می‌شود و در این الگو عبارت است از: اصلاح انگیزش‌های افراد برای ارتقای نقش کیفی انسان‌ها در بازار و اقتصاد از طریق کانالیزه کردن نفع شخصی با فرهنگ‌سازی پیش‌نیازهای اخلاقی بازار و آموزش نظم اخلاقی در بازار. بدیهی است تحقق این شرایط نیازمند بسترسازی‌هایی است که باید از سوی دولت صورت گیرد و سیر تحقق مردمی‌سازی در اقتصاد را تسهیل کند. دولت از یکسو بایستی راهبردهایی برای ارتقای کمی نقش مردم در بازار را پی‌جویی کند که عبارت است از: برنامه‌ریزی برای ایجاد و حفظ کارکرد رقابت در بازار و همچنین تمرکززدایی از جامعه، سیاست و اقتصاد. از سوی دیگر دولت بایستی با شرایط مخرب نقش مردم در بازار مقابله نماید که عبارت است از: مقابله با نیروهای مخرب رقابت در بازار (انحصار و...) و ممانعت از انجام اقدامات و سیاستهای ناهماهنگ با بازار توسط دولت. از سوی دیگر دو حوزه راهبردی که مردمی‌سازی اقتصاد از طریق آن‌ها می‌تواند محقق شود عبارت است از: صنعت و کشاورزی. البته با مختصات فناورانه در حد نیازها و کرامت انسانی و همچنین با رعایت نیازهای حیاتی انسان و نزدیک به شرایط طبیعی محیط انسان.

منبع: سیدحسین زاده، سعید حسینی، سیدعقیل (۱۴۰۳): دلالت‌های مکتب اردولیرالیسم آلمانی برای مردمی‌سازی اقتصاد. وحید ارشدی، رضا تنهایی مقدم گشیخی (Eds): مجموعه مقالات مردمی‌سازی اقتصاد و اقتصاد مقاومتی. مشهد: پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی.



بررسی تأثیر مردمی‌سازی بر مقاومت‌سازی اقتصاد در چارچوب یک اقتصاد رانتي

نوع مطالعه: کتاب مجموعه مقالات همایش مردمی‌سازی اقتصاد و اقتصاد مقاومتی | روش: تحلیلی-توصیفی و اقتصادسنجی | نویسندگان: حسین امیری
این مقاله در سال ۱۴۰۳ در کتاب مجموعه مقالات همایش مردمی‌سازی اقتصاد و اقتصاد مقاومتی در انتشارات پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی به چاپ رسیده است.

● چیستی اقتصاد مردمی

مردمی‌سازی اقتصاد بدان مفهوم است که در مقایسه با نظام لیبرالی که در آن دولت نقش حداقلی دارد و نظام سوسیالیستی که دولت در آن نقش حداکثری و بر تمام امور تولیدی و صنعتی دخالت دارد - دولت علاوه بر نقش حاکمیتی تعریف شده در سرمایه‌داری، مسئولیت برنامه‌ریزی، زمینه‌سازی، ظرفیت‌سازی، هدایت و کمک به بخش خصوصی و تولید را برعهده دارد. به عبارت دیگر کار اقتصادی و فعالیت اقتصادی در این نظام با محوریت مردم است و دولت به عنوان یک مسئول عمومی بر حسن اجرای فعالیت‌ها نظارت می‌کند، تولید، کارآفرینی و اشتغال را هدایت می‌کند و با سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و توزیع مناسب به کمک بخش خصوصی می‌آید. نقطه مقابل اقتصاد مردمی اقتصاد رانتي است که سهم نفت و شرکت‌های دولتی و هزینه‌های دولت و اندازه دولت در آن به اتکای درآمدهای نفتی بالاست. در ادبیات اقتصاد سیاسی رانت‌جویی و مردمی‌سازی در اقتصادهای برخوردار از رانت منابع طبیعی دو روی یک سکه هستند. در اقتصادی که نیازهای مالی دولت و حاکمیت از طریق فروش منابع طبیعی و درآمدهای ناشی از آن تامین می‌شود، دولت‌ها بزرگتر و غیرپاسخگوتر شده‌اند، رابطه بین مردم و دولت کم رنگتر شده است و سرمایه اجتماعی در این کشورها به شدت کاهش خواهد یافت.

● چرایی اقتصاد مردمی

یکی از اهداف مورد تاکید در چارچوب نظام اقتصاد مقاومتی رانت‌زدایی

و مردمی‌سازی اقتصاد است. یکی از دلایل آسیب‌پذیری اقتصاد کشور از تحریم‌ها ساختار اقتصاد رانتي و نقش اندک بخش خصوصی در اقتصاد است. هر چه اقتصاد به سمت مردمی‌سازی بیشتر و مبارزه بیشتر با رانت حرکت کند؛ شاخص تاب‌آوری بهبود بیشتری خواهد داشت.

● چگونگی اقتصاد مردمی

به منظور بررسی میزان مردمی‌بودن اقتصاد به شاخص‌هایی ازجمله روند ارزش واگذاری دارایی‌ها به بخش خصوصی و نسبت ارزش افزوده کارگاه‌های کوچک و متوسط به ارزش افزوده کل کارگاه، حاکی از نقش آحاد مردم در اقتصاد است. به منظور زدودن اقتصاد رانتي و حرکت به سمت مردمی‌سازی اقتصاد لازم است در سیاست‌گذاری‌ها موارد همچون اصل شدن نگاه به درآمدهای نفتی به عنوان ثروتی بین نسلی، استفاده از ظرفیت‌های جدید تکنولوژی برای اجرای اصل مردمی‌سازی در اقتصاد و تقویت ترتیبات نهادی به منظور اجرای موفقیت‌آمیز سیاست‌های مردمی‌سازی اقتصاد و اصلاح ساختارهای رانتي مورد توجه قرار گیرد.

منبع: حسین، امیری (۱۴۰۳): بررسی تأثیر مردمی‌سازی بر اقتصاد مقاومتی در چارچوب یک اقتصاد رانتي. وحید ارشدی، رضا تنهایی مقدم گلشیخی (Eds): مجموعه مقالات مردمی‌سازی اقتصاد و اقتصاد مقاومتی. مشهد: پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی، pp. ۱۶۴-۱۹۴.



مردمی‌سازی اقتصاد سیستمی است که در آن، برخلاف نظام‌های لیبرالی و سوسیالیستی، دولت علاوه بر نقش حاکمیتی، مسئولیت برنامه‌ریزی، زمینه‌سازی، ظرفیت‌سازی، هدایت و کمک به بخش خصوصی و تولید را بر عهده دارد و به دنبال مقاومت‌سازی اقتصاد در برابر شوک‌ها و بهبود کارایی است.

تفاوت‌های مردمی‌سازی با خصوصی‌سازی

نوع مطالعه: کتاب گفتارهایی در اقتصاد مردم بنیان | روش: تحلیلی-توصیفی | نویسندگان: سیدمهدی زربیاف
این کتاب در سال ۱۳۹۵ منتشر شده است.

● چیستی اقتصاد مردمی

اقتصاد مردمی یعنی اقتصادی که از مردم آغاز می‌کند با مردم حرکت می‌کند و برای مردم و به دنبال پاسخگویی به نیازهای آنان در یک فرآیند مردمی است. اصلاً اینجا دیگر بحث سود مطرح نیست و تنها رفع نیازهای عمومی جامعه در اولویت است و این معنای حذف سرمایه در تولید نیست، بلکه عدم استیلا و حاکمیت آن بر تولید است. اقتصاد مقاومتی به دنبال توازن بین نیازها و امکانات است و هدف نهایی از اقتصاد مردمی، تربیت انسان است. اقتصاد مقاومتی از حیث مالکیت، مدیریت و بهره‌برداری از اقتصاد خصوصی متفاوت است. اگر عمق نظام سرمایه‌داری و سوسیالیسم را بررسی کنیم همه این گروه‌ها در قالب مشارکت به دنبال بهره‌کشی از عموم مردم هستند. داشتن ماهیت و رویکرد فرهنگی از تفاوت‌های دیگر اقتصاد مردمی با اقتصاد خصوصی است. اقتصاد مردمی با انسان‌ها، نه بازار و پول و تکنولوژی سرکار دارد. این‌ها همه ابزار احیای انسان‌اند و اگر در خدمت انسان قرار نگیرند اقتصاد مردمی نخواهد بود. در اقتصاد مردمی همه فرصت‌ها، منابع و امکانات به صورت امانی و به صورت وکالت تصرف است.

● چرایی اقتصاد مردمی

اقتصاد مردمی هم از ناکارآمدی اقتصاد دولتی جلوگیری می‌کند و هم از انحصارات بخش خصوصی دوری می‌کند و در نتیجه راه برای مشارکت مردمی باز می‌شود و مشارکت عموم مردم در اقتصاد افزایش می‌یابد و ثبات سیاسی نیز افزایش می‌یابد. این فرض بنیادین را که مردم‌محور قدرت در اقتصاد هستند، می‌توان از منابع معرفتی اسلام استخراج کرد که

با جریان مردمی‌سازی وابستگی به ریسک کاهش و سرمایه‌گذاری جنبه درون‌زا پیدا می‌کند. بانکداری غیرانتفاعی ایجاد می‌شود و آموزش‌های متنوع در سرمایه‌گذاری و اشتغال و مدیریت تحول ایجاد خواهد کرد. دخالت موسسات و نهادهای سرمایه‌داری در مسیر فعالیت‌های خودجوش کاهش پیدا خواهد کرد. ترکیب سرمایه از سرمایه تجاری به سرمایه تولیدی تغییر خواهد کرد که به مشارکت در کار و سرمایه منجر خواهد شد. در مورد الگوی مصرف نیز مردم در مصرف کالاهای داخلی که حاصل دسترنج خودشان است شوق پیدا می‌کنند.

● چگونگی اقتصاد مردمی

مردمی‌سازی در سه بخش مالکیت، مدیریت و بهره‌برداری تعریف می‌شود. در مالکیت باید به سمت مالکیت‌های مشارکتی و نه اشتراکی و خصوصی باید حرکت داده شود. در مدیریت باید به سمت بنگاه‌های تعاونی حرکت کنیم که عموم مردم در فرآیندهای اقتصادی مشارکت داده شوند. در بهره‌برداری و حق انتفاع از کالاها و خدمات نیز معیار حق السهم عادلانه عوامل تولید، باید به صورت جدی و دقیق در نظر قرار گیرد. ترکیب مخارج مصرفی از مصارف دولتی به مصارف مردمی، از کاهش دخالت دولت تغییر خواهد کرد. توزیع پیش از تولید باید به صورت عادلانه در اختیار همه قرار گیرد و نسبت به اتصال فرد به قانون‌های قدرت و ثروت تعیین شود و نقطه شروع با مردم باشد.

منبع: زربیاف، سیدمهدی (۱۳۹۶): تفاوت‌های مردمی‌سازی با خصوصی‌سازی. گروه اقتصاد مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (ع) (Ed): گفتارهایی در اقتصاد مردم محور. جلد اول: مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (ع)، pp. ۱۰۱-۱۳۰.



طبق مطالعه‌های صورت گرفته مردمی‌سازی، اقتصادی است که از مردم آغاز شده، با مردم حرکت می‌کند و برای مردم، در یک فرآیند مردمی، به دنبال پاسخگویی به نیازهای آنان است، بدون آنکه صرفاً بر سود تمرکز داشته باشد. این دیدگاه اقتصادی، مردم را در مرکز قرار می‌دهد و به‌طور مداوم برای مردم و با هدف رفع نیازهای آنان پیش می‌رود.

کانال‌های اثرگذاری مردم بر اقتصاد

نوع مطالعه: کتاب گفتارهایی در اقتصاد مردم بنیان | روش: تحلیلی-توصیفی | نویسندگان: داوود دانش جعفری
این کتاب در سال ۱۳۹۷ منتشر شده است.

● چیستی اقتصاد مردمی

نقش مردم در اقتصاد می‌تواند در قالب تابع تولید در اقتصاد متعارف در نظر گرفته شود. مردم می‌توانند در قالب نیروی کار و بالابردن بهره‌وری آن در تولید کالاها و خدمات موثر باشند. همچنین مردم می‌توانند در قالب نیروی کار آموزش‌دیده در فرآیند تولید موثر باشند. در اقتصاد متعارف بین سرمایه انسانی هر نیروی کار و میزان تاثیرگذاری در اقتصاد (مردمی بودن اقتصاد) رابطه مستقیم وجود دارد.

● چرایی اقتصاد مردمی

تاکید امام خمینی (ره) به واگذاری کارها به مردم و عدم دخالت دولت در اقتصاد بوده است. سیاست‌های اقتصاد مقاومتی هم بر مشارکت مردم جامعه خصوصا طبقات کم‌درآمد و متوسط تاکید دارد.

● چگونگی اقتصاد مردمی

خانوارها در اقتصاد متعارف هم صاحب عوامل تولید مثل نیروی کار، زمین و سرمایه هستند و هم پاداش این عوامل در قالب دستمزد و اجاره‌بهای تجهیزات و سود را از بنگاه می‌گیرند. اگر بنگاه خصوصی باشد خانوارها هم از بابت در اختیار قراردادن عوامل تولید به بنگاه منتفع می‌شوند و هم از بابت سهامداری و مالکیت بنگاه‌های اقتصادی. پس در بنگاه‌های خصوصی خانوار نسبت به بنگاه‌های دولتی بیشتر منتفع می‌شوند.

منبع: دانش جعفری، داوود (۱۳۹۶): کانال‌های اثرگذاری مردم بر اقتصاد. گروه اقتصاد مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (ع) (Ed): گفتارهایی در اقتصاد مردم محور. جلد اول: مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (ع)، pp. ۶۲-۹۸.



جایگاه مردم در خصوصی سازی در اقتصاد ایران

نوع مطالعه: کتاب گفتارهایی در اقتصاد مردم بنیان | روش: تحلیلی-توصیفی | نویسندگان: غلامرضا حیدری کرد زنگنه
این کتاب در سال ۱۳۹۵ منتشر شده است.

چستی اقتصاد مردمی

به کار بردن واژه مردمی سازی به جای خصوصی سازی صحیح نیست و مخالف نص صریح قانون اساسی و فرمایشات رهبری و واژه ای کمونیستی است. دلیل به کار بردن این واژه این است که در ذهن برخی اندیشمندان بخش خصوصی مردم را دربرنمی گیرد و تنها مراد از بخش خصوصی چند هزار بازرگان حاضر در اتاق بازرگانی یا اصناف خصوصی است. اما تعریف درست این است که دایره معنای بخش خصوصی طوری گسترش داده شود که کل مردم به غیر از نهاد دولت در این دایره جای می گیرند.

چرایی اقتصاد مردمی

اهداف خصوصی سازی سیاست های کلی اصل ۴۴، رشد همراه با عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه و رشد ثروت درآمد جامعه و گسترش مالکیت در سطح عموم مردم بود.

چگونگی اقتصاد مردمی

پرداخت سهام عدالت و گسترش فرهنگ سهامداری در بین مردم و فعالیت شرکت های سرمایه گذاری در توسعه استان ها و مناطق محروم می تواند به گسترش خصوصی سازی منجر شود. دلیل انحراف خصوصی سازی اختصاص ۲۰ درصد از مدیریت بانک ها و شرکت های فولاد و کشتیرانی و ... به دولت است که باعث شده است سهام عدالت که مالکیت آن به مردم واگذار شده عملاً مدیریت آن دست دولت باقی بماند و سیاست های جلوگیری از انحصار و ایجاد رقابت نیز نهادسازی قوی ای صورت نگیرد.

منبع: حیدری کرد زنگنه، غلامرضا (۱۳۹۶): جایگاه مردم در خصوصی سازی های اقتصاد ایران. گروه اقتصاد مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (ع) (Ed): گفتارهایی در اقتصاد مردم محور. جلد دوم. تهران: مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۴۷-۱۶۰. pp



به گفته رهبر معظم انقلاب به کار بردن واژه مردمی سازی به جای خصوصی سازی صحیح نیست و تعریف درست به گونه ای است که دایره معنای بخش خصوصی طوری گسترش داده شود که کل مردم به غیر از نهاد دولت در این دایره جای می گیرند.





مطالعه قابلیت سازمان‌های مردم‌نهاد بومی دین محور در حل چالش‌های پیش روی توسعه اجتماع محور روستایی: مورد مطالعه: گروه جهادی طلاب عباد

نوع مطالعه: مقاله علمی-پژوهشی | روش: روش تحلیل کیفی و تحلیل مضمون | نویسندگان: سیداحمد فیروزآبادی و حسن جعفری
این مطالعه در سال ۱۳۹۵ انجام شده است.

● چگونگی اقتصاد مردمی

فعالیت گروه جهادی عباد به عنوان گروه داوطلبانه غیرانتفاعی یک سازمان مردم‌نهاد متشکل از طلاب است که فعالیت‌های زیر را انجام می‌دهند: قابلیت مشاوره و اطلاع رسانی به مسئولین و در عین نقش فعال در حل مسائل و مشکلات روستایی، قابلیت کمک‌رسانی به مردم در جهت درک دغدغه‌های محرک اجتماع و حل آن‌ها، قابلیت هماهنگ‌سازی اجتماع و قابلیت ایجاد یک گروه اجتماع محور مستقل و در عین حال باید در حوزه ایجاد شغل و داشتن اقتصادی سالم و محلی نیز فعالیت کنند.

منبع: فیروزآبادی، سیداحمد؛ جعفری، محسن (۱۳۹۵): مطالعه قابلیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد بومی دین محور در حل چالش‌های پیش روی توسعه اجتماع محور روستایی «مورد مطالعه: گروه جهادی طلاب عباد». مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی ۷ (۴)، ۱۷۳-۱۵۳. pp.

● چیستی اقتصاد مردمی

مقصود از اقتصاد مردمی، توسعه اجتماع محور است یعنی فرآیندی برای ایجاد پیشرفت اقتصادی و اجتماعی برای کل جامعه با مشارکت فعال خود مردم است. پس منظور از اقتصاد مردمی، فعالیت سازمان‌های داوطلبانه مردمی و غیرانتفاعی (بخش سوم) است.

● چرایی اقتصاد مردمی

مشارکت سازمان‌های جهادی مردم‌نهاد در توسعه اجتماع محور به عنوان سازمانی داوطلبانه و غیرانتفاعی حکایت از پیدایش تمرکززدایی و تفویض اختیار در سطح تصمیم‌گیری و مدیریت محلی دارد که در نهایت به حذف دیوانسالاری در سطح ملی می‌انجامد.



مشکلات و موانعی پیش روی توسعه اجتماع محور در روستاها وجود دارد که سازمان‌های مردم‌نهاد وظیفه دارند از طریق فعالیت‌های مختلف اعم از توانمندسازی روستایی و راه‌حل‌های بومی و دین محور به توسعه پایدار متوجه باشند.





نقش بازاریابی مردمی در تحقق اقتصاد مقاومتی با مطالعه موردی مشکلات واحدهای تولیدی استان قم

نوع مطالعه: مقاله علمی-ترویجی | روش: تحلیلی-توصیفی | نویسندگان: اکبر ابدالی محمدی
این مطالعه در سال ۱۳۹۷ انجام شده است.

● چگونگی اقتصاد مردمی

ایده بازاریابی مردمی بر مبنای اقتصاد مقاومتی، به دنبال فعال سازی گروه های مردمی برای بازاریابی، تبلیغ و معرفی و فروش و مصرف کالاهای ایرانی است. اصناف رکن دیگری از بازاریابی مردمی است. اگر سه رکن بازاریابی مردمی عینی نظیر نهضت مطالبه کالاهای ایرانی به وسیله مردمی از اصناف، نهضت مصرف و معرفی کالاهای ایرانی به وسیله مردم و نهضت تبلیغ و فروش کالاهای ایرانی به وسیله اصناف محقق شود، مهمترین مانع پیش روی واحدهای تولیدی یعنی فقدان تقاضای محصولات برداشته خواهد شد.

● چرایی اقتصاد مردمی

بازاریابی که به وسیله شرکت ها انجام می شود از بالا به پایین انجام می شود یعنی مدیریت نهایی بازاریابی با شرکت هاست اما بازاریابی مردمی در چارچوب اقتصاد مقاومتی از پایین به بالاست، یعنی حتی بدون اینکه شرکت های تولیدی برنامه خاصی در این باره داشته باشند، گروه های مردمی به صورت فعال، بازاریابی محصولات این شرکت ها می پردازند. اما تفاوت بازاریابی متعارف با مردمی است که مردم با رویکرد جهادی و بدون چشم داشتی به تبلیغ و معرفی برندهای ایرانی می پردازند.

● چرایی اقتصاد مردمی

یکی از تفاوت های اقتصاد مقاومتی با دیگر مفاهیم های اقتصادی مشابه این است که تمرکز ویژه ای روی مردم دارد.

منبع: ابدالی محمدی، اکبر (۱۳۹۷): نقش بازاریابی مردمی در تحقق اقتصاد مقاومتی با مطالعه موردی مشکلات واحدهای تولیدی استان قم پژوهش های اقتصاد مقاومتی ۵ (۳)، pp.



یکی از تفاوت های موجود در اقتصاد مقاومتی در برابر دیگر مفاهیم اقتصادی مشابه، تمرکز بر واژه مردم است. بازاریابی مردمی در چارچوب اقتصاد مقاومتی از پایین به بالاست که به دنبال فعال سازی گروه های مردمی برای بازاریابی، تبلیغ، معرفی و فروش و مصرف کالاهای ایرانی است.



اقتصاد مردمی



نوع مطالعه: کتاب | روش: روش تحلیلی-توصیفی | نویسندگان: مهدی قنبریان
این مطالعه در سال ۱۴۰۰ نگاشته شده است.

● چيستی اقتصاد مردمی

مردم‌سالاری یعنی مردم را در همه امور زندگی، صاحب رای و صاحب تصمیم و تدبیر قرار دادن.

● چرایی اقتصاد مردمی

بدون اقتصاد مردمی و همگانی، مردم‌سالاری به‌جز نامی عملاً منجر به جمهوری طبقات بهره‌مند خواهد شد. انقلاب اسلامی مردمی‌ترین انقلاب جهان و شعار مردم‌سالاری دینی از اصلی‌ترین آرمان‌هایش بوده است و این سهم سیاسی برای عامه مردم باید در اقتصاد کشور نیز وزن داشته باشد و موجب ایجاد اقتصاد مردمی شود وگرنه به‌مرور کانون‌های ثروت، حکمرانی را به نفع طبقات خاص منحرف خواهند کرد. امام خمینی (ره) عدالت اجتماعی را مشروط به دخیل کردن توده‌های میلیونی مردم محروم در تولید و تلاش و

● چگونگی اقتصاد مردمی

خلاقیت و ابتکار کردند. رهبر انقلاب در مواجهه با دوگانه پیشرفت و عدالت از سوی دولت سازندگی، پیشرفت مردم پایه را مطرح کردند.

طرح اقتصاد مردمی در نهاد تعاونی بازتعریف می‌شود که دارای چند شرط است: همکاری به‌جای رقابت سرمایه‌داری، قدرتی کنار اقتصاد دولتی نه ذیل آن، هر رای برای یک عضو نه به ازای میزان سهم، شرط صاحب سهام شدن و شاغل بودن در آن تعاونی تولید نه فقط صاحب سرمایه بودن. بند ۲ اصل ۴۳ قانون اساسی نیز تامین شرایط و امکانات کار برای همه و قرارداد و وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند اما وسایل کار ندارند در شکل تعاونی یا وام بدون بهره و هر راه مشروع دیگر را تأکید می‌کند. سیاست‌های کلی اصل ۴۴ نیز در این زمینه راهگشاست.



اقتصاد مردمی به‌عنوان یک رویکرد جدید به مردم‌سالاری در تحلیل سیستم‌های اقتصادی است که مردم را در همه امور زندگی، صاحب رای و صاحب تصمیم و تدبیر قرار می‌دهد و طبق گفته رهبر انقلاب در مواجهه با دوگانه پیشرفت و عدالت از سوی دولت سازندگی، پیشرفت مردم پایه را در نظر دارد.



نقش مردم در اقتصاد

نوع مطالعه: کتاب گفتارهایی در اقتصاد مردم بنیان | روش: تحلیلی-توصیفی | نویسندگان: محمد جواد شریف زاده
این کتاب در سال ۱۴۰۰ منتشر شده است.

چپستی اقتصاد مردمی

اقتصاد مردمی اقتصادی است که طیف وسیعی از مردم و عمده دهک‌های جامعه به گونه‌ای نسبتاً برابر مالک ثروت‌ها باشند یعنی مالکیت ثروت در جامعه وجود دارد و همان طیف وسیع مردم در مبادله ثروت نقش داشته باشند، یعنی در حوزه تولید و مبادله نقش آفرینی کنند و نهایتاً مالک درآمد ناشی از تولید نیز همان طیف وسیعی از مردم باشند یعنی نابرابری درآمد خیلی کم باشد.

چگونگی اقتصاد مردمی

زیرشاخه‌های اصلی «سرمایه‌گذاری مردم بنیاد» عبارت است از:

۱. درصد رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در اقتصاد؛
۲. سرانه سپرده‌گذاری مردم در تامین مالی؛
۳. میزان بدهی بخش خصوصی؛
۴. میزان رشد سرمایه‌گذاری داخلی اقتصاد؛
۵. کاهش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی.

زیرشاخه‌های «مدیریت مردم محور» عبارت است از:

۱. نقش شاغلین دارای نقش در مدیریت به کل شاغلین؛

۲. میزان موسسات عمومی تحت مدیریت بخش غیردولتی؛
 ۳. نسبت جمعیت کارفرما و مستقل به کارمندان مزدبگیر.
- زیرشاخه‌های «دولت مردمی» عبارت است از:
۱. دخالت مستقیم دولت در اقتصاد؛
 ۲. سهم نفت در تولید؛
 ۳. بزرگی اندازه دولت در اقتصاد؛
 ۴. بی‌ثباتی در سیاست‌ها و برنامه‌ها؛
 ۵. نظام نظارت و نظام قضایی کارآمد و اثربخش؛
 ۶. بهبودی فضای کسب و کار و تولید؛
 ۷. شاخص کارآفرینی جهادی؛
 ۸. شاخص کارآفرینی نوپا؛
 ۹. دموکراسی و حکومت مردم؛
 ۱۰. شاخص رقابت‌پذیری.

منبع: شریف زاده، محمد جواد (۱۳۹۶): نقش مردم در اقتصاد، گروه اقتصاد مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (ع) (Ed)، گفتارهایی در اقتصاد مردم محور. جلد اول: مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (ع)، pp. ۴۲-۱۷.



در اقتصاد مردم بنیان، از طریق تدوین گفتارها و بینش‌های عمیق، ارائه دیدگاهی جدید در مورد اقتصاد دنبال می‌شود که مردم را طبق شاخص‌هایی اعم از سهم نفت در تولید، بزرگی اندازه دولت در اقتصاد و... به عنوان محور اصلی فعالیت‌های اقتصادی معرفی می‌کند.





از مبنا تا معنا

اقتصاد مردمی و امکان‌های نظری آن

جمع‌بندی، تحلیل
و نقد مطالعات انجام‌شده
در حوزه اقتصاد مردمی در ایران

اقتصاد مردمی، اگرچه در ظاهر یک مفهوم کلی است، اما در دل خود مولفه‌هایی کلیدی را حمل می‌کند که مرز آن را با دیگر الگوهای اقتصادی روشن می‌سازد: مردمی بودن در تملک و مالکیت، در فرآیند تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری، در نهادسازی و تنظیم‌گری و نیز در بهره‌مندی عادلانه از ثمرات تولید و خدمات. این مولفه‌ها در بسیاری از منابع با واژگان و لحن‌های گوناگون مطرح شده‌اند، اما می‌توان رد آن‌ها را در ساحت نظر و تجربه به وضوح پی گرفت. این فصل، کوششی است برای جمع‌بندی مفاهیم بنیادین اقتصاد مردمی در سه ساحت چپستی، چرایی و چگونگی، و بازنمایی فشرده‌ای است از جان‌مایه ۳۱ اثر بررسی شده در فصل پیشین.



اقتصاد مردمی

در چشم انداز نظریه پردازی بومی

قرار دادند. برخی ماهیت مردم را در اقتصاد مردمی توضیح و تبیین کرده‌اند. به عنوان مثال برخی مردم مورد نظر در اقتصاد مردمی را کسانی می‌دانند که مقوم نظام سیاسی ولایت فقیه باشند و کسانی که خارج از این چارچوب و برخلاف مصالح مردم حرکت می‌کنند را مردم نمی‌دانند و برخی دیگر نیز مقصود از مردم را امت اسلامی می‌دانند و نه مردم در قالب یک ملت. برخی نیز ماهیت اقتصاد مردمی را در قالب اهداف ((goals)) نتایج و اثرات (results و impacts) مورد انتظار، فرآیند (process) و عوامل مداخله‌گر یا متضادها ((Opposite)) و شاخص‌ها (Indexes) و روابط حکمرانی (relation of governance) تعریف کرده‌اند.

مقصود از «اهداف»، غایات مطلوب و نهایی مردمی‌سازی اقتصاد است که در قالب اهدافی نظیر عدالت و توازن اجتماعی، کارآیی، رفع تعارض (بین منافع عموم و خواص، بین آزادی و نظم، بین عدالت و کارآیی، بین طبقات مولد و غیرمولد، بین آزادی و همبستگی اجتماعی، بین منافع مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان و بین منافع صاحبان سرمایه و نیروی کار)، آزادی اقتصادی، رشد اقتصادی، تربیت انسان، ارتقای جایگاه عامل انسانی در تولید و نقش فعال عنصر انسان در اقتصاد در اقتصاد مردمی از آن بحث می‌شود.

مقصود از «نتایج و اثرات مورد انتظار»، نتایجی است که در اثر تحقق فرآیندهای اقتصاد مردمی رخ می‌دهد که عبارت است از: رقابتی‌تر شدن، کاهش انحصار، کاهش اجیرشدن، افزایش عزتمندی، افزایش عقود مشارکتی، افزایش کارآفرینی، کاهش تمرکز و تمرکززدایی و کاهش هزینه مبادله و حل مسئله اطلاعات نامتقارن. نتایج و اثرات مورد انتظار نقش اهداف میانی را در تحقق اهداف و غایات نهایی مردمی‌شدن اقتصاد ایفا می‌کنند.

برخی نیز مردمی‌شدن اقتصاد را در قالب «فرآیندها» مورد بررسی قرار می‌دهند. از نظر آن‌ها اقتصاد مردمی مستلزم افزایش

از مجموع بررسی مطالعات حوزه حکمرانی، سیاست‌گذاری و اجرا در حوزه اقتصاد مردمی می‌توان تحلیل انجام داد و پیشنهادهایی به منظور ادامه مطالعات در این زمینه ارائه داد. در این راستا ابتدا جمع‌بندی مختصری از تحلیل‌ها و پژوهش‌های انجام شده در حوزه اقتصاد مردمی انجام شد و در این مجال نیز نقدی بر این پژوهش‌ها ارائه می‌شود.

همانطور که در سرمقاله گفته شد پژوهش‌هایی که در زمینه اقتصاد مردمی انجام شده است را می‌توان براساس پاسخ به سه سوال ریشه‌ای «چیستی»، «چرایی» و «چگونگی» اقتصاد مردمی طبقه‌بندی کرد. سوال از چیستی اقتصاد مردمی در مقام توضیح مفهومی است و اقتصاد مردمی را در قالب ماهیت مردم، اهداف، نتایج و اثرات، فرآیند، متضادها و شاخص‌ها و روابط تعریف می‌کند. سوال از چرایی اقتصاد مردم بنیان، سوال از این است که مبنای پذیرش اقتصاد مردمی چیست و چرا باید به آن ملتزم بود و چه مبانی اسلامی، علمی و تجربی در این زمینه وجود دارد. سوال از چگونگی اقتصاد مردمی نیز به این پرسش ناظر است که اقتصاد مردمی چگونه اقامه شده است و چگونه باید اقامه شود؟ و درواقع سوال از این است که لوازم زمینه‌ای و ساختاری و راهبردهای پیاده‌سازی اقتصاد مردمی چیست؟ بنابراین سه سوال اصلی مردمی‌سازی اقتصاد عبارت است از:

۱. تعریف اقتصاد مردمی چیست؟ (چیستی)
۲. مبنای اقتصاد مردمی چیست؟ (چرایی)
۳. لوازم تحقق اقتصاد مردمی چیست و چگونه محقق می‌شود؟ (چگونگی)

● چیستی اقتصاد مردمی

درخصوص چیستی اقتصاد مردمی می‌توان گفت هر کدام از مطالعات انجام‌شده اقتصاد مردمی را در قالب چارچوب‌های زیر مورد بررسی

حداکثری مشارکت مردمی در سطح افراد (همه اقشار خصوصا اقشار مستضعف)، ابعاد (خرد و کلان)، حوزه‌ها (توزیع پیش از تولید، تولید، مصرف، مبادله) و عرصه‌ها (مالکیت، مدیریت و تصمیم‌گیری، بهره‌برداری، عاملیت تغییرات، اعمال نظارت موثر) و در بخش‌های مختلف اقتصادی (کشاورزی، مدیریت شهری، نظام پولی، مالیات، صنعت نفت و پتروشیمی، پالایشگاه‌ها، توسعه بخشی و روستایی، آموزش و پرورش، برق و انرژی، تامین اجتماعی، مدیریت آب، مدیریت روستا، قضاوت) مورد بررسی قرار دادند.

برخی نیز برای تعریف اقتصاد مردمی به «من باب تعریف الاشياء باضدادها» به نقطه مقابل اقتصاد مردمی پرداخته‌اند و «متضادها»ی اقتصاد مردمی را مورد بررسی قرار دادند. به عبارتی دیگر این مطالعات عوامل مداخله‌گر که وجود آن‌ها مانع ایجاد اقتصاد مردمی خواهد را تحلیل و از این منظر اقتصاد مردمی را تعریف کرده‌اند. از نظر این مطالعات موارد زیر جزء نقاط مقابل مردمی‌سازی اقتصاد محسوب می‌شوند: اقتصاد دولتی و تصدی‌گری دولت، رقابت ناعادلانه طبقه مولد با غیرمولد، اقتصاد سودمحور، مدیریت تابعی از مالکیت شرکتی، بنگاه‌های بزرگ انحصاری، خصوصی‌سازی بازار آزاد، نظام اقتصاد سوسیالیستی، نظام دولت رفاه، اقتصاد رانتي، شیوه تولید انحصاری و متمرکز و انبوه.

برخی نیز برای تعریف اقتصاد مردمی به انواع «روابط» و انگیزه‌ها در قالب سه «الگوی حکمرانی» سلسله‌مراتبی، بازاری و شبکه‌ای پرداخته‌اند و اقتصاد مردمی را در قالب روابطی که در قالب حکمرانی شبکه‌ای و با انگیزه‌های غیربازاری صورت می‌گیرد تعریف کرده‌اند و انواع مدل‌های حکمرانی همکارانه، مشارکتی و ... را به عنوان مصادیقی از اقتصاد مردمی ذکر کرده‌اند.

برخی از مطالعات نیز مردمی‌سازی اقتصاد را در قالب برخی «شاخص‌ها» تعریف می‌کنند که عبارت است از: نرخ بیکاری (نسبت نیروهای فعال جویای

کار به کل نیروهای فعال اقتصادی)، نسبت شاغلین در بخش غیردولتی به کل شاغلین، نسبت شاغلین مالک به کل شاغلین، نسبت شاغلینی که نقش در مدیریت دارند به کل شاغلین، سهم بخش تعاون، بخش خصوصی و بخش سوم در اقتصاد، تعداد نهادهای مردم‌پایه، سهم تامین مالی خرد، سهم تکنولوژی کاربر به سرمایه‌بر، نرخ مشارکت نیروی کار، نرخ تکفل، نرخ بیکاری و جمعیت فعال، سهم عوامل تولید از تولید در اقتصاد، نرخ متناسب مشارکت مردم در فعالیت‌های مولد و غیرمولد. همچنین به منظور سنجش مردمی‌سازی در نظام حکمرانی پولی می‌توان شاخص‌هایی را طراحی و محاسبه کرد. این شاخص‌ها لوازم (حق خلق) و فرآیند (مالکیت و مدیریت) و نتایج (توازن) را در نظام پولی مورد سنجش قرار می‌دهند که به ترتیب نسبت پایه پولی به نقدینگی، نسبت رشد اقتصادی به رشد نقدینگی، مجموع دارایی موهوم نظام بانکی به کل دارایی نظام بانکی و نسبت بهره پرداختی به سپرده‌ها به حجم سپرده‌ها است.

● چرایی اقتصاد مردمی

سوال از چرایی اقتصاد مردم بنیان، سوال از این است که مبنای پذیرش اقتصاد مردمی چیست و چرا باید به آن ملتزم بود و چه مبنای اسلامی، علمی و تجربی در این زمینه وجود دارد؟ بررسی پژوهش‌ها و مطالعات انجام‌شده در این زمینه نشان می‌دهد چرایی و مبنای پرداختن به اقتصاد مردمی در قالب‌های زیر مورد بررسی قرار گرفته است. درواقع توجیهات و دلایل مطرح شده در چارچوب‌های زیر موجب مطرح شدن این مفهوم در ادبیات اقتصادی شده است: اقتصاد اسلامی، اقتصاد مقاومتی، انقلاب اسلامی (رهبران و قانون اساسی)، ادبیات متعارف اقتصادی، ادبیات نامتعارف اقتصادی و تجارب داخلی و خارجی.

● چگونگی اقتصاد مردمی

سوال از چگونگی اقتصاد مردمی نیز به این پرسش ناظر است که

منطقی درخصوص چرایی اقتصاد مردمی ارائه شود، پژوهش‌هایی که به مطالعات نهادگرایان جدید درخصوص مردمی‌سازی اقتصاد ارجاع می‌دهند و همچنین به بررسی تجارب خارجی و داخلی در این زمینه اشاره می‌کنند به نوعی می‌توانند مبنای مناسبی برای توجیه اقتصاد مردمی را فراهم کنند. از سوی دیگر ادبیات جدیدی در حیطه اقتصاد اسلامی شکل گرفته است که اساساً مبنای اقتصاد اسلامی را مردم‌سالاری اقتصادی دینی می‌دانند و بر این اساس پژوهش‌هایی را در حوزه تعاونی و دیگر اشکال مردمی‌سازی اقتصاد انجام داده‌اند. بنابراین به نظر می‌رسد تلفیقی از مطالعات ادبیات نامتعارف اقتصاد، اقتصاد اسلامی و تجارب داخلی و خارجی می‌تواند مبنای مناسبی برای توجیه مبنایی اقتصاد مردمی فراهم کند.

شاید بتوان گفت بیشترین و کاربردی‌ترین اختلافات در حوزه سیاست‌گذاری اقتصاد مردمی درخصوص چگونگی تحقق اقتصاد مردمی و شروط علی و ساختاری مردمی‌سازی اقتصاد است که می‌توان از آن به‌عنوان راهبرد یا شیوه سازماندهی برای مردمی‌سازی اقتصاد نیز نام برد. بدیهی است ساختارهای مورد نظر در این مطالعات به‌منظور تحقق اقتصاد مردمی (نظیر تعاونی، اقتصاد بخش سوم (وقف، خیریه و سازمان‌های مردم‌نهاد و نهادهای داوطلبانه)، بنگاه‌های کوچک و متوسط، تشکلهای محلی، جمع‌سپاری، نوآوری باز، کسب‌وکار منطقه‌ای و خانگی، تکنولوژی و صنایع کاربر، تشکلهای مردمی صنفی، تولید کوچک مقیاس، شرکت سهامی، کارآفرینی منطقه‌ای) با یکدیگر از حیث اهداف، انگیزه‌ها و سازوکارها متفاوت هستند و شاید نتوان تمام این سازوکارها را با یکدیگر جمع کرد. از سوی دیگر برخی مردمی‌سازی اقتصاد را در قالب شیوه تولید کوچک مقیاس مورد تأکید قرار دادند، درحالی‌که نظریه‌هایی تجربی و نظری و ازجمله کتاب «بزرگ زیباست» در پاسخ و نقد این نظریات ارائه شده است. نقدهای مختلفی از منظر نظری و کاربردی به اقتصاد تعاونی در ایران و جهان ارائه شده است که لازم است پیش از به‌کارگیری آن‌ها مورد بررسی قرار گیرد. از سوی دیگر شرایط نهادی اجرای سیاست‌هایی نظیر بنگاه‌های کوچک و متوسط باید با شرایط نهادی اقتصاد ایران تطبیق داده شود و بعد سیاست‌ایجابی بدین منظور تدوین شود. چارچوب اقتصاد بخش سوم یا اقتصاد غیرانتفاعی با توجه به اینکه ضمانت اجرایی مشخصی وجود نداشته و مبتنی بر انگیزه‌های داوطلبانه فردی است، شاید نتواند به‌عنوان یک پارادایم جایگزین مطرح شود. در مجموع از منظر چگونگی، چارچوب اقتصاد مردمی هنوز به انسجام و یکپارچگی لازم برای تبدیل شدن به یک پارادایم جامع دست پیدا نکرده است. لازم است مطالعات نظری و عملی خاص اقتصاد ایران و همچنین در بخش‌های مختلف اقتصاد ایران صورت بگیرد و مصادیق مردمی‌سازی اقتصاد در حوزه‌های مختلف نظیر صنایع، مسکن، کشاورزی و ... مورد بررسی قرار گیرد. ممکن است در یک بخش یک سازوکار برای مردمی‌سازی اقتصاد مطلوب باشد و در بخش دیگر سازوکاری دیگر مورد نظر باشد. بنابراین لازم است تطبیق سیاست‌های اقتصاد مردمی در بخش‌های مختلف اقتصادی مورد بررسی و کنکاش قرار گیرد.

اقتصاد مردمی چگونه اقامه شده است و چگونه باید اقامه شود؟ و درواقع سوال از این است که لوازم زمینه‌ای و ساختاری و راهبردهای پیاده‌سازی اقتصاد مردمی چیست؟ لوازم و شرایط زمینه‌ای ناظر به شرایطی است که بر راهبردهای مردمی‌سازی اقتصاد موثر هستند و به‌عنوان شرط لازم مردمی‌سازی اقتصاد عمل می‌کنند. شرایط زمینه‌ای شامل سازوکارهای انگیزشی نظیر انگیزه‌های داوطلبانه، غیرپولی، ساختار ذی‌نفعان و ... است و همچنین نقش دولت (در زمینه آگاه‌سازی و اعتمادسازی و فرصت‌سازی) و توانمندسازی مردم (در حوزه آگاهی و امکانات) و نیز برپایی نظام حقوق مالکیت (در حوزه مالکیت، مدیریت، بهره‌برداری، تصرف و انتقال) جزء شروط لازم و زمینه‌ساز مردمی‌سازی اقتصاد در ادبیات هستند.

برخی از پژوهش‌ها نیز برخی لوازم و شروط علی و ساختاری را برای مردمی‌سازی اقتصاد برمی‌شمرد که می‌توان از آن به‌عنوان راهبرد یا شیوه سازماندهی برای مردمی‌سازی اقتصاد نیز نام برد که عبارت است از: ساختار تعاونی، اقتصاد بخش سوم (وقف، خیریه و سازمان‌های مردم‌نهاد و نهادهای داوطلبانه)، بنگاه‌های کوچک و متوسط، تشکلهای و انجمن‌های محلی، جمع‌سپاری، نوآوری باز، کسب‌وکار منطقه‌ای و خانگی، تکنولوژی و صنایع کاربر، تشکلهای مردمی صنفی، تولید کوچک مقیاس، شرکت سهامی، کارآفرینی منطقه‌ای.

● نقد و تحلیل

نقدهایی که می‌توان به تعریف و چیستی اقتصاد مردمی مطرح کرد را از منظرهای مختلف می‌توان مطرح کرد. درخصوص تعریف اقتصاد مردمی، تعریف جامع و مانعی از اقتصاد مردمی ارائه نشده است. تعاریف ارائه‌شده بعضاً با یکدیگر همپوشانی و اشتراک دارد و برخی تعاریف با یکدیگر متضاد هستند. به‌منظور رسیدن به یک پارادایم و گفتمان مشترک پیرامون اقتصاد مردمی لازم است بر یک مفهوم مشترک از اقتصاد مردمی تکیه شود و پژوهشگران در این چارچوب پژوهش‌های لازم را انجام دهند. به‌عنوان مثال کسانی که با تکیه بر اهداف اقتصاد مردمی را تعریف کرده‌اند می‌توانند اهداف اقتصاد مردمی را از منظر اهداف غایی و اهداف میانی تفکیک کنند و راه را برای ارائه تعریف مشترک از اقتصاد مردمی باز کنند. از منظر دیگر به‌منظور ارائه یک تعریف جامع و مانع از اقتصاد مردمی لازم است اهداف، نتایج و اثرات مورد انتظار، فرآیند و عوامل مداخله‌گر یا متضادها و شاخص‌ها و روابط حکمرانی در اقتصاد مردمی در یک چارچوب متحد و یکپارچه در نظر گرفته شود و تعریف اقتصاد مردمی ارائه شود. به عبارتی دیگر ابعاد فوق می‌توانند مفهوم اقتصاد مردمی را در یک چارچوب روشن و جامع ارائه کنند و پژوهش‌های سیاستی در چارچوب اقتصاد مردمی در این گفتمان و تعریف مشترک صورت گیرد.

درخصوص چرایی اقتصاد مردمی، پژوهش‌هایی که به‌منظور پاسخ به چرایی و مبنای اقتصاد مقاومتی به سخنان رهبران انقلاب اسلامی (رهبران و قانون اساسی) و اقتصاد مقاومتی ارجاع داده‌اند، به نوعی پاسخ به این سوال را پیش فرض گرفته‌اند و به‌صورت مبنایی به دلیل شکل‌گیری اقتصاد مردمی اشاره نکرده‌اند. اما اگر بخواهیم کمی عمیق‌تر به این سوالات پاسخ داده شود و توجیهات عقلی و



شماره دوم
نقد سیاست را
رایگان دریافت کنید.



به همت خانه اندیشه‌ورزان منتشر شد:

ساختار سیاسی جمهوری اسلامی زمانی با عبارات «راس امور» و «خانه ملت» برای یک نهاد سیاسی-اجتماعی معمول در تمام ساختارهای مونتسکویی، روایت‌سازی مستحکمی را از برکشیدن مجلس پیش برد. و از این طریق نیاز خود را به تاییدشدگی، به واسطه این نهاد و روایت پشت آن پاسخ می‌داد: مشروعیت بخشی به سیاست‌ها، مهار نارضایتی‌ها، کانالیزه کردن تکثر جامعه ایرانی در مسیرهای قابل کنترل و دست آخر شبیه‌سازی مردم‌سالاری، از جمله نیازمندی‌هایی بودند که یک ساختار سیاسی در حال تاسیس را به سمت ابرقوه ساختن یک قوه ره‌نمون بودند.

با گذر از مرحله بنیان‌گذاری و ورود به مرحله تثبیت و جان‌گرفتن اعتماد به نفس ابرار وجود و قد علم کردن به عنوان حکمران و ولی، قیود پیش‌گفته دست‌وپاگیر، و حلقه‌های «واسط» قدرت و جامعه، «مازاد» شناسایی شدند. بنابراین مجلس نه به عنوان یک رکن قدرت، بلکه زائده‌ای شد که تحمل آن به عنوان یک امر تزیینی تنها در این صورت قابل پذیرش بود که نقش سامانه تایید و اجرا را در ساختار حکمرانی چندلایه‌ای کنونی ایفا کند.



همکاری و حمایت از گروه نشریات جامعه اندیشکده‌ها:
Ittnews2020@gmail.com

اقتصاد مردمی، صورت‌بندی تازه‌ای از عدالت اقتصادی است؛ راهی برای بازگرداندن مردم به جایگاه صاحب‌اختیار در تولید، مالکیت، تصمیم‌گیری و بهره‌مندی. این رویکرد، نه یک راه‌حل مقطعی یا نسخه‌ای مکمل، بلکه تلاشی است برای بازسازی بنیادهای اقتصادی بر محور مشارکت جمعی، نهادهای مردمی و توزیع قدرت در سراسر زنجیره‌های ارزش. آنچه در این پرونده گرد



آمده، نگاهی است به چابکی، چرایی و چگونگی اقتصاد مردمی از دل متون و مطالعات پژوهشی و استخراج مولفه‌های کلیدی این مفهوم زنده و ضروری. لطفاً بخوانید و با ما در بازاندیشی این مسیر همراه شوید:



خانه‌اندیشه‌وزارت